

# دردام نظریه امپریالیستی - مائوئیستی «سازش دوا بر قدرت» نیفتیم

✱ تئوری «سازش دوا بر قدرت» تنها برای منحرف ساختن مبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا و پوشش دسیسه‌های آن علم میشود!

✱ عوامل امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد هدفهای ضدانقلابی خود «خبر» سفارش میدهند!

✱ مهم‌ترین راه غلبه بر گرانی مبارزه با سرمایه‌داران وابسته است!

✱ متاسفیم که در ویژه‌نامه «مجاهد» بمناسبت سالگرد انقلاب، عناصر لیبرال و ضدانقلاب تطهیر میشوند!

صفحه ۷

نامه  
**مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۵۰  
یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با  
۱۶ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰۴ ریال

**تاکتیک مشترک**  
ریگان ولیبرال‌ها و مائوئیست‌های  
آمریکائی در باره «خطر»  
حزب توده ایران

عناصر سازشکار و تسلیم طلب که انقلابشان با رفتن شاه به پایان رسید، تکران و بیناکاز تداوم انقلاب مردم، هر گسام ضد امپریالیستی و خلقی را که در جهت تعمیق انقلاب برداشته شود، به «القاء ایدئولوژی» از سوی حزب توده ایران تعبیر میکنند و چون خوشبختانه تعمیق انقلاب شتاب گرفته، قانسون اصلاحات ارضی انقلابی به تصویب رسیده، بازرگانی خارجی در شرف ملی شدن است، حدود مالکیت خصوصی باید تعیین شود، ملی شدن‌ها بسود خلق ادامه یافته، نظام تعاونی گسترش می‌یابد و جنبه ضد امپریالیستی و بویژه ضد امریکائی انقلاب تشدید شده، بدروغ چنین می‌نمایند که «توده‌ای»ها همچا نفوذ کرده، همه امور را در دست گرفته‌اند و «القاء ایدئولوژی» میکنند، تا به این وسیله - به خیال خود - بتوانند جلوی تعمیق انقلاب را بگیرند.

«میزان»، ارگان لیبرال‌ها، حتی جنبش ضد امریکائی مردم ایران را که با پذیرش شاه ملعون از سوی امریکا و خودداری وزیر امور خارجه وقت، قلب زاده، از صدور اعلامیه رسمی و محکوم ساختن دولت امریکا، به اوج رسید، نتیجه «جو سازی» نامه «مردم» میدانند که گویا «دوستان نادان در دام این جو سازی افتاده!» (میزان - ۱۳ بهمن ۵۹) لیبرال‌ها نه فقط تعمیق جنبه ضد امپریالیستی انقلاب را نتیجه «القاء» توده‌ای‌ها میدانند، بلکه معتقدند که هر یلائی بر سر آنها آمده و منجر به برکناریشان از راس قدرت شده، از سوی حزب توده ایران است و چون خود را محور میدانند و خسران خود را بقیه در صفحه ۴

در شرایطی که امپریالیسم، بر سرکردگی امریکای جهانخواه، با تب و تاب و در تلاش روی کار آوردن دولت «معتدل» و «میان‌رو» و ایجاد انواع کانونهای توطئه و تشنج و درگیری و جنگ تحمیلی و تدارک دخالت مستقیم نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، رئیس‌جمهور امریکا، رونالد ریگان، برای انحراف افکار عمومی از توجه به این خطر اصلی و واقعی، در یکی از مصاحبه‌های خود با مطبوعات امریکا، از «خطر» حزب توده ایران صحبت میکند. او میگوید:

«در ایران خطر بزرگتری از سوی چه وجود دارد. حزب کمونیستی توده وابسته به مسکو، تنها منتظر آنست که آشفتگی و سردرگمی در ایران بدرجه‌ای برسد که به آنها امکان آغاز عملیات بدهد.»

این دروغ ریگان، که نماینده مرجع ترین و هارترین جناح انحصارات امریکائی است، تکرار دروغ کهنه و مبتدلی است که امپریالیسم امریکا در آستانه کودتای خائنانه ۲۸ مرداد هم درباره نفوذ «کمونیست‌ها» و «خطر» حزب توده ایران اختراع کرد و انتشار داد، و امروز بی‌پایگی آن بر همگان آشکار است. آنروز روزنامه «شاهد» مظفر بقائی و مجله «تهران‌منصور» عبدالله والا و مطبوعات دیگری از این دست، با امپریالیسم امریکا هم‌نوازی داشتند و دروغ‌های آفر تا شخواز میکردند و امروز تشریفات وابسته به لیبرال‌ها و مائوئیست‌های امریکائی هستند که این وظیفه را برعهده گرفته‌اند و هم‌صدا با «ریگان»ها «خطر» حزب توده ایران را تبلیغ می‌کنند.

## آیا منظور «ریگان» از دولت «معتدل» و «میان‌رو» سفاک‌ترین دیکتاتوری است؟

پس کرسی قدرت بنشانند. باینجهت در محاسبات سیاسی خود، طرق و شیوه‌های دیگری را نیز برای تأمین سلطه و نفوذ خویش گنجانیده است. به‌زویادهای کشور خود مراجعه کنیم:

امپریالیسم برای مقابله با جنبش ملی کردن نفت و سرنگونی دولت ملی و قانونی دکتر مصدق، توانست با توسل به کودتای امریکائی ۲۸ مرداد، نظام دلخواه خود، یعنی رژیم ضدملی و استبدادی محمدرضا را بر سر کار آورد. اگر برای امپریالیسم آمریکا مقدر بود که برای مقابله با انقلاب ۲۲ بهمن هم توسل به کودتا شود، مسلماً لحظه‌ای تردید نمی‌کرد و بدست ژنرال‌های مزدور خود در ارتش شاهنشاهی، دست به کودتا میزد، چنانکه چنین نقشه‌ای وجود داشت. ولی هم‌شرایط جهانی و هم اوج گسترش انقلاب در ایران، دستهای او را برای «کودتا» زنجیر کرد.

و بدینجهت امپریالیسم آمریکا، هم در آستانه پیروزی انقلاب و هم پس از آن در اینجهت نیز تلاش فراوان کرد که، اگر نتوانست رژیم مزدور و خیانتکار محمدرضا را با یک کودتای نظامی و با «خشن‌ترین دیکتاتوری» سرپا نگاه دارد، حداقل مانع از به قدرت رسیدن مسلمانان «تندرو» شود و «میان‌رو»ها و عناصر «معتدل» را کمک دهد، تا در راس قدرت جای گیرند، و سپس انقلاب را از سیر بسوی تعمیق بازدارند، آنرا مسخ کنند و در درازمدت سلطه امپریالیسم را احیا کنند. گواه این مدعا اسناد جاسوسخانه امریکا است.

اسناد جاسوسخانه امریکا نشان میدهد که در آستانه پیروزی انقلاب، بخش مهمی از مساعی امپریالیسم آمریکا جلوگیری از به قدرت رسیدن روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی و تقویت عناصر «میان‌رو» و بقیه در صفحه ۴

**در صفحات بعد**

**آذربایجان غربی را دریابید**

صفحه ۴

**جبهه آزادبخش بحرین بر ای استقلال واقعی بحرین پیکار میکند**

صفحه ۶

**سال دفاع و تولید در نیکار اگوئه**

صفحه ۶

«دفتر روابط عمومی رئیس‌جمهور» در نوشته‌ای که در پاسخ به مقاله نامه «مردم» منتشر ساخته، برای تأیید نظر آقای بنی‌صدر که: «ریگان در کار تدارک دیکتاتوری در ایران است» و از گون جلوه دادن نظر صریح ریگان، که: «خواستار روی کار آمدن یک دولت «معتدل» و «میان‌رو» است، که با امپریالیسم امریکا کنار بیاید، می‌نویسد:

«معتدل ترین حکومتها در منطق امپریالیسم، دیکتاتورترین و سفاک‌ترین حکومتهاست، که به قیمت سفاکانه‌ترین سیاستها رابطه «معتدل» کشورشان را با امپریالیسم آمریکا پاسداری کنند... در هر کودتای امریکائی که برای حفظ اعتدال انجام می‌یابد، خشن‌ترین دیکتاتورها سر بر آورده است.»

این دعوی «دفتر روابط عمومی رئیس‌جمهور» برای اثبات این ادعاست که گویا امپریالیسم برای تأمین منافع و استقرار سلطه خود، فقط «کودتا» میکند و فقط در تلاش روی کار آوردن «خشن‌ترین دیکتاتوری» است.

ولی این دعوی با واقعیات زمان ما تطبیق نمیکند.

هدف امپریالیسم پیشبرد سیاست غارتگرانه و سلطه‌جویانه خود در جهان کنونی است. و امپریالیسم برای تحقق هدف خود با توجه به شرایط جهان و شرایط مشخص هر کشور، از شیوه‌های گوناگون استفاده میکند که دو خط اساسی دارد: مسخ انقلاب و یا سرکوب انقلاب.

در دورانی که تناسب قوا در جهان بسود امپریالیسم و ارتجاع بود، امپریالیسم بسپولت می‌توانست در هر کشوری که منافع خود را در خطر بیند و حکومتی و رژیمی را سدره منافع نامشروع خود تشخیص دهد، یا به «اشغال نظامی» مستقیم آن کشور دست‌زند و یا بوسیله آیدای خود

## ضدانقلابی‌های فراری توطئه‌های گسترده‌ای را تدارک می‌بینند

مقامات و شخصیت‌هایی در فرار - دادن این عناصر تبه کار دست داشته‌اند، بویژه آنکه، این افراد میلیونها و میلیونها تومان ثروت مردم محروم ما را نیز با خود به ماواهای امپریالیستی‌شان برده‌اند.

است (تنها نیم میلیون در امریکا پس می‌روند). بگفته پیترومان، گزارشگر این برنامه، ضد ضدانقلابیون «همه یک آرزوی مشترک دارند، و آن سرنگونی رژیم انقلابی ایران است.

در اینجا، بار دیگر، این سؤال مطرح میشود، که چه

حامیان آمریکایی و ارتجاعی آنها. بموجب این گزارش، شماره این باصطلاح «تبعیدی»ها (یعنی ضدانقلابیون فراری و فراری داده شده)، که در اهم کشور-های امپریالیستی پراکنده شده‌اند، تجاوز از نصد هزار شبکه تلویزیونی «ان. پی. سی» ایالات متحده آمریکا گزارش می‌زیر عنوان «تبعیدیهای خشمگین ایران» بخش کرده است، که انتزافی است به ابعاد وسیع توطئه‌های ضد انقلاب خارجی و داخلی و

در ۲ روز گذشته: تلاش دشمن متجاوز برای تصرف نقاط استراتژیک ایلام خنثی شد

در ادامه نبرد عادلانه رزمندگان انقلاب با تجاوزگران صدامی، ضربات مهلك دیگری بر پیکر قوای دشمن وارد آمد.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۴۱۱ خود گروه‌های از عملیات رزمندگان انقلاب را در شب و روز ۳۰ بهمن، اعلام کرده است. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

۱- در نتیجه اجرای آتش رزمندگان مستقر در منطقه گیلانفرت چند سنگر دشمن به آتش کشیده و یک انبار مهمات آنها نابود شد. همچنین با فعالیت دلاوران جنگنده ما راه تدارکاتی دشمن در این ناحیه سد شد و تعدادی از عناصر بقیه در صفحه ۴

### آیا منظور ریگان...

بقیه از صفحه ۱

«معتدل» بوده است. «سولیوان» سفیر پیشین آمریکا در ایران، میگوید: «هر گروه میانه‌رو و متمایل به غربی که به مبارزه علیه ملاحه‌ها برخیزد، در مورد او بعنوان یک گروه «مترقی» با علاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد.»

اگر امپریالیسم آمریکا در آستانه پیروزی انقلاب، قادر به انجام کودتا بود، دیگر نیازی به «تبلیغ» برای گروههای «میانه‌روی متمایل به غرب» نداشت. حکومت ژنرال‌ها و یا سرسپردگان را در راس قدرت می‌نشاند و بسا خیال راحت مطامع خود را دنبال میکرد. اما معلوم شد که آمریکا - با اینکه نقشه کودتائی داشت - ولی توان این کار را نداشت.

پس از پیروزی انقلاب نیز، امپریالیسم آمریکا، در همانحال که نقشه کودتا، و سرکوب انقلاب از راه زور را تا حد تجاوز مستقیم نظامی در انبان دارد (تجاوز نظامی طیس، کودتای نوزدهم، جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و...) با توجه به شرایط خاص ایران و انقلاب ایران، توطئه مسخ انقلاب ایران را از راه روی کار آوردن دولت «معتدل» و «میانه‌رو» نیز با پیگیری دنبال میکند.

در این زمینه، از جمله استیبل، مامور جاسوسخانه آمریکا در نامه‌ای به وزارت خارجه آمریکا (مهر ۱۳۵۸) می‌نویسد:

«در این موقع حساس، هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند، زیرا نظام جمهوری اسلامی ایران از

حمایت یدریغ توده‌ها برخوردار است» و «خمینی آدمی نیست که اهل معامله باشد». آمریکا چون «جریان خمینی» را «سرسخت و ضد آمریکائی» میداند، لذا میکوشد که عناصر و نیروهای «معتدل» و «میانه‌رو» را - که البته «متمایل به غرب» باشند، تقویت کند. در اسناد جاسوسخانه میخوانیم:

«ما میتوانیم برای ایرانی کار کنیم که «میانه‌رو» باشد و ناسیونالیست‌های مخالف روحانیت، تسلط بیشتری در اداره مملکت داشته باشند.»

در اسناد جاسوسخانه بازم میخوانیم: «در حفظ و تقویت عناصر خصوصی در ارتش، مذهبی‌های میانه‌رو و گروههای غیرمذهبی که قادرند نقش مهمی در حکومت آینده بازی کنند، اقدام کنیم.»

تردید نیست که سراسر این برنامه یک بازی سیاسی برای احیای سلطه امپریالیسم آمریکا در ایران بدست «معتدل»‌ها و «میانه‌رو»‌هاست. در اجرای این برنامه، کوشش امپریالیسم آمریکا مصروف‌البتست که تحول در نظام حکومت ایران در جهت مسخ انقلاب، به نحوی انجام شود که این بار توده‌ها متوجه کارگردانی امپریالیسم در به‌صحنه آوردن این «نمایش بزدو خورد» نشوند.

بنابراین، اینکه تصور شود که فقط «خشن‌ترین دیکتاتوری‌ها» قادر به تامین منافع امپریالیسم است، بر پایه است. امروز امپریالیسم در تمام کشورهای اروپای غربی، منافع خود را نه بدست دولتهای فاشیستی، بلکه بدست حکومت‌های «سوسیال‌دمکرات» و «لیبرال» تامین میکند، که با پنبه سر- می‌برند. این نوع حکومت‌ها قادرند با «بازی دموکراسی» مردم را سرگرم و منافع

انحصارات امپریالیستی را تامین کنند. امپریالیسم برای مسخ انقلاب در پرتال نیازی ندید که دست به کودتای فاشیستی بزند، بلکه از همین گروه‌های «معتدل» و «میانه‌رو» استفاده کرد و انقلاب پرتال را از سیر تکاملی خود بازداشت.

البته شک نیست که اگر این دولتهای «میانه‌رو» و «معتدل» نتوانند، بععللی، به وظایف خود در قبال امپریالیسم عمل کنند، امپریالیسم ساگر زوروش برسد به حربه کودتای فاشیستی متوسل خواهد شد.

وجه مشترک این هر دو حکومت، یعنی حکومت «میانه‌رو» و حکومت «کودتاگران فاشیست» خدمت به امپریالیسم، همپیوندی با آن و تامین خواسته‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنست.

اینکه به مردم تلقین کنیم که امپریالیسم برای بازسازی سلطه خود فقط در کار به قدرت رساندن یک حکومت دیکتاتوری است، انحراف توجه آنان از سایر اشکال و شیوه‌های دخالت امپریالیسم در دگرگونی نظام حکومتی ایران است.

تا زمانی که امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، بتواند بدست عناصر «معتدل» و «میانه‌رو» منافع خود را برآورده سازد، نیازی به «سفاک‌ترین دیکتاتورها» ندارد. این عناصر «معتدل» و «میانه‌رو»، که با پنبه سر می‌برند، اگر لازم شود، یا خود استبداد فاشیستی را برقرار خواهند کرد، یا راه را برای استقرار فاشیسم هموار خواهند ساخت.

مردم ما و انقلاب ما و دولت جمهوری اسلامی باید برای عقیم گذاردن هر دو شکل اصلی توطئه امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا - مسخ انقلاب و سرکوب انقلاب - از هر باره آماده باشند.

### تاکتیک مشترک...

بقیه از صفحه ۱

خسران انقلاب و اسلام و کشوره فریاد سر داده‌اند که باید متوجه «خطر» توده‌های ما بود، همانطور که «ریگان» توده‌های ما را «خطر» بزرگتر» میخواند، همانطور که ضدانقلاب فراری سرشناسی مانند «بنی‌احمد» نمایندگی مجلس شاه ملعون از قلب پاریس از «خطر» حزب توده ایران سجت میکند، همانطور که رادیوهای ضدانقلابی خارج از کشور «خطر» حزب توده ایران را دوری گرفته‌اند.

در شرایطی که انقلاب ایران، آماج مستقیم توطئه‌های امپریالیستی است و ضدانقلاب داخلی بر حدت فعالیت‌های ویرانگرانه خود در جمع جبهات افزوده است، لیبرال‌ها و مائوئیست‌های امریکائی بر روی این واقیات خطرناک برای انقلاب، چشم بسته‌اند و درباره چیزی سخن‌پرانی می‌کنند که واقییت ندارد و ساخته کارخانه دروغساز و سازمانهای جاسوسی امپریالیستی است.

اما آیا لیبرال‌ها و مائوئیست‌های امریکائی از سر اشتباه و سهو دروغ‌های آنها را تکرار می‌کنند؟ آیا لیبرال‌ها و مائوئیست‌های امریکائی بواقیقت نمیدانند انقلابی که بپست مردم محروم و زحمتکش کشور ما به پیروزی رسیده‌است، انقلابی که دو خصیصه ممتاز آن، جنبه ضدامپریالیستی و خلقی آنست، برای نیل به پیروزی قطعی و نهائی، راهی جز تمیق و گسترش خود ندارد و پشتیبانی حزب توده ایران، که چهل سال است در راه استقلال و آزادی ایران و پیروزی مردم محروم مبارزه می‌کند، از تمیق و گسترش انقلاب، «القاء» ایدئولوژی نیست؟

اگر حزب توده ایران خطر برای امپریالیسم، خطر برای منافع سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ و طبقات مستکبر قلمداد شود، واقییت گفته شده است، و ما اقتضای می‌کنیم که در طول موجودیت حزب خود برچم مبارزه علیه امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا و ارتجاع را برافراشته داشته‌ایم. و امروز همین امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرگردگی آمریکا است که به دروغ حزب ما را «خطر» می‌داند، دروغ‌پرانی درباره «خطر» حزب توده ایران، حزبی که ما

### ضدانقلابی‌های...

بقیه از صفحه ۱

در برنامه نامبرده گفته شده است: «علی‌امینی تازه‌ترین رهبر ایرانیان تبعیدی است، که از ضدانقلاب داخل و خارج خواسته است تا برای مخالفت با آیت‌الله خمینی یا یکدیگر متحد شوند.»

با عتراف برنامه «ان بی. سی»، «اوسی و بختیار اینروزها به خاطر صدام حسین، رئیس جمهوری عراق، تا حدی رجه خود را از دست داده‌اند. گفته میشود که صدام پول زیادی به آنها پرداخت کرده است. زمانی که عراق به ایران حمله کرد، بسیاری از ایرانیان اوسی و بختیار را به خیانت متهم کردند.»

البته این اعتراف بمعنای آن نیست، که دولت آمریکا بکلی از این نوکران خود قطع امید کرده است. برعکس، «چند روز پیش اعضای آخرین گابینه بختیار (۱)، در جلسه‌ای مخزمانه برای بررسی و بحث در اطراف نقش‌ها و طرح‌های خود بسا یکدیگر ملاقات کردند. از سوی دیگر، اوسی در مقر فرماندهی‌اش در حومه پاریس، که فاصله چندانی با دفتر بختیار ندارد، نقش‌ها و طرح-

های نظامی را تهیه و بررسی میکند.

در این بین، ضدانقلابیون، بسرگردگان جدیدی هم پیدا کرده‌اند، مانند احمد مدنی، که دایک بحال تبعید در آلمان (غربی) بسر میبرد. اما پولی برای تشکیل ارتش نظامی در اختیار ندارد.»

باین ترتیب، بار دیگر اعتراف میشود که نه تنها دولت آمریکا چتر حمایت خود را بر روی سران ضدانقلابیون گسترده است، بلکه فرانسه و آلمان غربی و... نیز، که بزعم برخی، دیاران ما در نبرد با ابرقدرتها هستند (۱)، با نقض بدیهی‌ترین اصول دیپلماتیک به دسیسه‌گران فعال علیه جمهوری اسلامی ایران پناه میدهند و به آنها همه‌جانبه کمک میکنند.

بدیهی است که نوکران سر- سرده و «اسلامی» امپریالیست‌ها در منطقه نیز بجز روی نمی‌خواهند از این بابت از اربابان خود عقب بمانند؛ عین گزارش ان بی. سی، در این باره چنین است:

«ارادن ممکن است بزودی یک ایستگاه رادیویی در اختیار خاندان سلطنتی ایران (۱) قرار دهد و گفته میشود که به ارتش

تبعیدیان ایرانی نیز اجازه داده است که از مرزهای بگذرند. عربستان سعودی نیز همراه با عراق به آنها کمک مالی میکند. مهر خانواده پادشاه فقید (۱) ایران را در خاک خود جای داده است و گزارش میرسد که ترکیه نیز به سربازان ضدانقلابی اجازه داده است در خاک آن کشور آموزش ببینند. هر چند که دولت ترکیه آنرا انکار میکند.»

ظاهرا پس از شکست تجاوزات بی‌دردی در خارج و از دست رفتن پناه دگرگانگی، ضد انقلاب اینک به جناح داخلی خود و کوه‌بینان، بیش از پیش چشم امید دوخته است؛ گزارش ان بی. سی، در این باره چنین ادامه میدهد:

«مخالفان خمینی همه به یک هجوم نظامی برای سراندازی آیت‌الله خمینی معتقد نیستند آنها میگویند که ضدانقلاب باید از خیابانها و از درون بازار و در داخل ایران قد برافرازد... از بازگشتن ایرانی و دیگر افراد فعال در بخش‌های اقتصادی خواسته شده است، به یک اعتصاب همگانی دست بزنند.»

باین ترتیب امپریالیسم که به میزان هبستگی استثمارگران

و مستکبرین یا توطئه‌های براندازی خویش واقف است، تکیه خود را بر آنها نهاده است.

در پایان گزارش این شبکه امریکائی نقش رهبری ضد انقلاب بومی از سوی امپریالیسم آمریکا و متحدانش به گونه‌ای «متواضعانه» چنین تفسیر میشود: «چنین بنظر میرسد که تبعیدیان ایرانی بطور کلی پذیرفته‌اند که بدون برخورداری از حمایت غرب نخواهند توانست کاری بیشتر از ادامه مخالفت با رژیم اسلامی انجام دهند» (۱)

اعترافات نامبرده بار دیگر وسعت و ابعاد توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا و متحدان آن و ضدانقلاب خانگی را نشان میدهد، که ما بیوسته نسبت به آن هشدار داده‌ایم.

باید بیش از پیش هشدار بود و در دام کسانی که میخواهند «دشمن» تصنیف و غیرواقعی برای انقلاب بتراشند و انظارو افکار را از آمریکا و متحدانش منحرف کنند نیفتاد. تنها با هشجاری و اتحاد میتوان دسیسه‌های خائنه و تجاوزکارانه را کماکان به ناکامی کشانید، و ثابت کرد که آمریکا یا همدستی «تبعیدیان خشمگین» هم هیچ غلطی نمیتواند بکند.

### تلاش دشمن...

بقیه از صفحه ۱

متجاوز عراقی به هلاکت رسیدند.

۲- در منطقه ایلام بر اثر اجرای آتش خمپاره‌انداز روی مواضع دشمن ضمن انهدام ۱۲ سنگر که ۲ سنگر آن دیدهبانی بود، یک خودروی نظامی بسا نفرات آن و یک سنگر گروهی نابود و ۶ تن از افراد ارتش صدام به هلاکت رسیدند.

۳- در منطقه آبادان سه موضع خمپاره‌انداز ۶۰ میلیمتری یک تیربار، یک پاسکاده دیدهبانی و یک انبار مهمات دشمن منهدم شدند.

کشته و یا زخمی شدند. در همین منطقه یک میدان مین دشمن نیز کشف و خنثی شد.

۴- در منطقه ماهشهر یکانهای مستقر با اجرای آتش روی مواضع دشمن ۲ خودرو نظامی، یک نفر - بر زخمی، یک تیربار، یک فروند قایق، مقداری مهمات و چندین سنگر اجتماسی و انفرادی دشمن را به کلی نابود و تعدادی از افراد عراقی را کشته و مجروح کردند.

۵- در منطقه خرمشهر یکی از محل‌های استقرار دشمن در نتیجه اجرای آتش سلاح‌های سنگین قوای ما به آتش کشیده شد.

منهدم و غرق شد.

۶- سوسنگرد بطور پراکنده زیر آتش توپخانه و خمپاره‌اندازهای دشمن قرار داشت. نیروهای ما نیز با زیر آتش قرار دادن مواضع دشمن متجاوز در این منطقه به آنها پاسخ دادند.

۷- چهار فروند هواپیمای مهاجم عراقی که در شهرهای جنوب ظاهر شده بودند با رد گیری و تعقیب هواپیماهای گشت متواری شدند.

همچنین بر پایه گزارش خبر- گزار پارس، در یکی از مناطق استراتژیک و حساس نوار مرزی آبادان، حملات فایزمن حدود ۱۰۰

تن از تجاوزگران صدامی که با حمایت آتش خمپاره‌انداز از دو جناح به منظور پیشروی و اشغال مجدد اراضی بازپس گرفته شده صورت گرفته بود، بسا هشجاری و اجرای آتش هماهنگ رزمندگان انقلاب خنثی شد. در جریان این حملات، عده زیادی از متجاوزین کشته و زخمی شدند و بقیه آنان با بجسای گذاشتن تجهیزات فراوان متواری شدند.

بر پایه همین گزارشها در ایلام و در جبهه‌های نوار مرزی این منطقه، برتری آتش بسا رزمندگان انقلاب است.



# آذربایجان غربی را در یابید!

به نوشته‌های روزنامه «جمهوری اسلامی»، در زمینه فعالیت ضدانقلاب در آذربایجان غربی، توجه کنید!  
آتش زهر آلودی را که دولت موقت لیبرال‌ها برای انقلاب پخته‌اند، به دور بریزد!

در هفته‌های اخیر توجه رسانه‌ها و مطبوعات و محافل اجتماعی و سیاسی کشور بمسئله کردستان گسترش بیشتری یافته است. از آن جمله بود رپورتاژهای سیمای جمهوری اسلامی ایران زیر عنوان "در کردستان چه خبر؟"، که در سه شب منتشر شد و حاوی مطالب جالبی از کار سازندگی در کردستان بود. مقاله مبسوطی که در روزنامه "آمت" (شماره ۹۳، ۶ بهمن ۵۹) زیر عنوان "چگونه انقلاب را در کردستان تثبیت کنیم" نیز یکی دیگر از مطالب منتشره در زمینه مسئله کردستان بود و بویژه پیشنهاددهای چهارگانه آن برای حل مسئله کردستان به همراه نظرات دیگر نیروهای صدیق‌انقلابی، می‌تواند مقدمه و راهگشایی برای باز کردن این گره کور باشد.

اجرا درآمد و فتوادل‌ها مسلح شدند. همچنین عدم موضع‌گیری روحانیت منطقه در برابر این حرکت ضد-توحیدی و حتی تأیید پیدا و پنهان آنان و نهایتاً صحنه‌گذاشتن برچنین حرکتی موجب شد که طرح تیمسار دانشور بی‌هیچ مزاحمتی جامعه عمل ببوشد.

و این طرح "ضدمردمی" آن شخص "با پشتوانه سیاست‌های دولت موقت جا افتاد و بوسیله فرماندهان لشکر ۶۴ ارومیه و فرماندهان ژاندارمری منطقه در آن زمان، همچنین آقای حقگو استاندار سابق آذربایجان غربی و معاون ایشان بنام آتابک و دیگر همکارانش و گزینش روشهای هیئت ویژه کردستان، خصوصاً "داریوش فروهر و کلا" اعضای دولت موقت به

## شرح حال برخی از فتوادالهای ضدانقلابی کرد در آذربایجان غربی (با نقل به اختصار از روزنامه «جمهوری اسلامی»، ۹ بهمن ۱۳۵۹)

دو نفر فوق نیز، علاوه بر آن که حرکتی در جهت استقرار بخشیدن نظام جمهوری اسلامی در منطقه نداشتند. مداوم و بی وقفه با اعمال ضدانقلابی پرداخته‌اند. اینان که در منطقه ترگور، مرکز زندگی میکنند، طوری عمل کرده‌اند که هم اکنون از از طرف حزب دموکرات (باند قاسملو) یک نیروی ۱۵۰۰ نفره با ۲۱ قبضه خمپاره انداز و سلاح فراوان در آنجا مستقر شده و بطور لاینقطع از حقوق

به‌هرحال منطقه نفوذ جهانگیر دری در صومالی برادوست و مرز سرواست که منطقه مذکور علاوه بر آن که برای رفت و آمد نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی امنیت ندارد، به محل تاخت و تاز قاچاقچیان و ضد-انقلابیون و ساواکی‌ها و پالیزبان‌ها و خلاصه بختیاری‌ها تبدیل شده است...

۱- جهانگیر دری-جهانگیر دری، رئیس ایل دری در ترکیه و ایران که گویا خودش از افراد ترکیه است و در تقسیم اراضی رژیم سابق به ایران آمده است. شخص نامبرده که دارای نزدیک به پنجاه روستا در ترکیه و مایملک فراوانی در ایران میباشد، با حدود ۹۰۰۰ نفر از ایل دری در ترکیه و ۳۰۰۰ نفر از همان ایل در ایران ارتباط دارد و سرکرده آنان محسوب میشود که در موقع لازم میتواند آنان را بر علیه جمهوری اسلامی ایران بسیج کند. جناب جهانگیرخان دری دو ماه قبل از مردن شاه به مصر رفته و پس از ملاقات با شاه و ابراز وفاداری با او مراجعت نموده، همچنین به بهانه مریضی به فرانسه سفر کرده و طی مسافرت خود با شاهپور بختیار دیدار و یک میلیون دینار عراقی از وی جهت فعالیت‌های تخریبی دریافت کرده و حال حاضر آن که ۵۰۰ هزار دینار نیز از صدام حسین گرفته و از سازمان امنیت ترکیه (میت) حقوق میگیرد، همچنین پس از انقلاب اکثر اسواکی‌ها و ضدانقلابیون منجمه صیادیان رئیس ساواک آذربایجان غربی، از مرزهای غرب کشور بواسطه ایشان فرار کرده‌اند که بی‌شک دهها میلیون تومان از این طریق کسب نموده‌است، علاوه بر خدمات فوق، پس از انقلاب بسیاری از فتوادال‌ها، منجمه جهانگیر دری، بسیاری از رعیت‌های خود را از خانه و کاشانه‌شان بیرون راندند و در این رابطه ایشان نیز تعداد زیادی از رعایای خود را به بهانه ندادن بهره مالکانه دهساله از دهات خویش راند. و منازل آنها را به آتش کشید...

های دریافتی خورشید بیگ و فتح عباس نژاد که در حقیقت بیت المال مسلمین است که از طریق دولت به آنان داده میشود، میگیرند و به تقویت خود میپردازند و طبق یک گزارش مربوط به تاریخ ۵۹/۷/۱ شخص خورشید بیگ دفتر حزب دموکرات (باند قاسملو) را در قره‌نیه دربند" افتتاح نموده است و همچنین در تاریخ ۵۹/۷/۱۹ افراد این فرد جوئیروهای پشتیبان ضدانقلاب بوده‌اند...

گفته یکی از اعضای شورای روحانیت ارومیه، مدتی پیش از طرف جهانگیر دری جلسه‌ای تشکیل شد که در آن جلسه افرادی همچون عبدالرحمان قاسملو دبیر کل حزب دموکرات، پالیزبان استاندار سابق کرمانشاه که آشنائی کامل به منطقه غرب دارد و اوپسی و... شرکت داشته‌اند و گویا حتی این مسئله مطرح شده که عشاير به هیچ وجه نباید سلاحهای خود را به دولت پس بدهند (طبق گفته یکی از اعضای شورای روحانیت ارومیه، آقای حسینی نماینده امام در این شهرستان اطلاعات فراوانی در این مورد دارد) خلاصه مطلب آن که جهانگیر دری بابت ۳۰۰ جوانمرد خود ماهانه ۱۲۰۰۰۰۰ تومان از دولت حقوق دریافت میکند!! (زهی تاسف)

ورشید بیگ نیز بسان دیگر همقطاران خود، چه در گذشته و چه در حال حاضر با ساواک همکاری داشته و دارد و بعد از انقلاب تعدادی از رعیت‌های خود را بیرون کرده و حتی بعضی از آنان را اخته نموده است! ایشان نیز با حزب دموکرات (باند قاسملو) رابطه تنگاتنگ دارد و آنچه را که از دولت میگیرد تا به جنگ ضدانقلاب بپردازد، با حزب دموکرات (باند قاسملو) به‌شریکی تقسیم میکند و معمولاً افراد مسلح خود را در اختیار حزب دموکرات (باند قاسملو) قرار میدهد.

۲- حاج سامی هناره... شخص مذکور در جنگ سرو و حمله به ارومیه در تاریخ‌های ۵۸/۴/۲۷ و ۵۹/۷/۱۹ دست داشته و به ضد انقلاب باری رسانده است و نهایتاً اینکه ایشان هم همچون دیگر فتوادال‌ها به لحاظ فتوادال بودن ماهانه معینی بعنوان مخارج سرکوب ضد-انقلاب دریافت میکند.

## شرح حال برخی از عناصر ضدانقلابی که نهادهای انقلابی نقده و حومه را قبضه نموده‌اند (با نقل به اختصار از روزنامه «جمهوری اسلامی» ۱۱ بهمن ۱۳۵۹)

فعال ترین و موثرترین مهره‌های برپای مراسم جشن‌های رژیم گذشته بود. به عنوان مثال در سال ۴۷ جشن با-شکوهی به مناسبت سفر به اصطلاح شهبانوی ایران! به نقده ترتیب داد که گزارش این مراسم در اطلاعات شماره ۲۵۷۹ مورخ مرداد ماه ۴۷ در صفحه محلی چاپ گردید و ما قسمتهائی از آنرا بشرح زیر درج میکنیم: "به مناسبت تشریف‌فرمایی علیاحضرت فرح شهبانوی زغوف و نیکوکار ملت ایران به شهرستان مرزی نقده طاق نصرت بسیار زیبا و باشکوهی از طرف آقای عظیم معبودی عامل فروش تراکتور های انیورسال برپا گردید که جلوه خاصی به این شهر بخشید... این اقدام آقای عظیم معبودی عامل فروش تراکتورهای انیورسال در شهرستان نقده به قدری جالب و

۱- حاج عظیم معبودی حاج عظیم معبودی به دلیل داشتن نمایندگی و فروش تراکتورهای انیورسال و لوازم یدکی آن در شهر - های نقده، پیرانشهر، اشنویه و... سرمایه‌داران نقده محسوب میشود... و گویا رئیس دانشگاه آزاد نقده نیز بوده و از یاران نزدیک و صمیمی صیادیان رئیس ساواک آذربایجان غربی بشمار میرود. با اکثر روسای ادارات و روسای انجمن شهرستاهای استان آشنائی و بواسطه سرمایه و چاکرمنشی ایشان نقده به‌رژیم گذشته بود که پدر زن پسرش، حسنعلی زرگر-زاده، عنصر خائن و خود فروش نقده توانست سه دوره بعنوان نماینده مردم نقده در مجلس شورای ضد ملی-راه یابد. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

نویسنده سبب به مسئله مشخص مقاله‌ی پردازد و بدین ترتیب می‌نویسد که: وجود دو ملیت کرد و آذربایجانی که طول صدها سال با هم برادروار زندگی کرده‌اند، می‌تواند در حال حاضر در دست خود خلق به "ترمیزی در برابر حرکات ضدانقلابی" بدل شود و در حال دیگر در دست نیروهای دشمن خلق زمینه برادرکشی گردد و چنان فاجعه عظیمی بسازد که "قدرت درهم شکستن انقلاب را داشته باشد" و اینبار متأسفانه به زمینه فاجعه و برادرکشی مبدل شد! چرا و چگونه؟ نویسنده، پاسخ این سؤال را چنین شرح می‌دهد:

فتوادال‌های نامبرده به نقل از روزنامه "جمهوری اسلامی" بطور جداگانه در همین شماره نامه "مردم" منتشر می-شود.

این فتوادال‌ها، که توسط "بخشی از حاکمیت و سکوت دیگر بخش‌های آن" مسلح شده‌اند و عملاً در کنار دارو دسته‌های ضدانقلابی قرار دارند، از لحاظ ملیت، کرد و سنی مذهبند. همان "بخش از حاکمیت" جبهه مقابل آنها را هم در میان آذربایجانی-های شیعه مذهب ایجاد می‌کند و بدین ترتیب صحنه بطور کامل صف-آرایی می‌شود. از قلم خود نویسنده بخوانیم:

"در همین روال تصدای از عناصر ناسالم و ساواکی و ضدانقلاب و فتوادال‌های منطقه سلدوز (نقده و حومه)" از سوی "بخشی از حاکمیت" تقویت و تجهیز شده‌اند که ترک‌زبان می‌باشند... اینها طبق جوسازی ماهرانه و باندا ایجاد کردن و دامن زدن به مسئله ترک و کرد، قادر به قدرت یافتن شده‌اند و با ساختن چهره انقلابی از خود و حمایت ظاهری از انقلاب، حضور نظامی پیدا کرده‌اند. نتیجه این شده است که "دو برادر مسلمان را از یکدیگر جدا و دیوار تخلف بین آنها کشیده" و انفجار-هایی چون انفجار نقده و قارنا بوجود آورده‌اند.

نویسنده مطلب را صریح‌تر و مشخص‌تر چنین بیان می‌کند: "تعدادی از عناصر نالایق خائن و ضدخدا که همگی وابسته به رژیم جنایتکار و خیانت‌پیشه پهلوی معدوم بوده‌اند... بعنوان حامیان دلسوز انقلاب فعال مایه شدند و سرپرستی کمیته و نیروهای حافظ انقلاب را زیر فرماندهی خود گرفتند و در طرح‌های نظامی منطقه صاحب نظر افتادند... اغراق نیست اگر مدعی شویم که ضدانقلابیون مستتر شده در عنوان "حامیان جمهوری اسلامی" و ضدانقلابی‌های مخفی شده در ایندژولوژی‌های ملون به هر دو روی یک سکه‌اند که با یک محتوا و یک جهت برای تأمین منافع مشترکشان کوشش می‌کنند، منتها با این فرق که در دو فرم و دو لباس و شکل کاری-کنند."

نویسنده، از عده‌ای از این-عمال "وابسته به رژیم جنایتکار و خیانت‌پیشه پهلوی معدوم"، که "سرپرستی کمیته و نیروهای حافظ انقلاب" را در نقده و حومه قبضه کرده‌اند، نام می‌برد و شرح حال آنها را می‌نویسد که از آن جمله‌اند: حاج عظیم معبودی، مراد قطاری، دکتر بهمن خسروی، دکتر امیرفلاح و حاج میرزا ابراهیم محرر ("روحانی‌نمای خلق مسلمان") (شرح حال مختصر افراد نامبرده، به نقل از روزنامه "جمهوری اسلامی" بطور جداگانه در همین شماره نامه "مردم" منتشر می‌شود).

نویسنده سپس می‌گوید: "بهر رو، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تمامی این عناصر ناسالم در یک زنجیر پیوسته و تحت حمایت فرماندهان ژاندارمری منطقه و وقت و رئیس کل ژاندارمری در آن موقع (تیمسار دانشور) و خلاصه عدم موضع‌گیری قاطع از سوی دیگر افراد، اینان توانستند موقعیتی بدست آورند و با توطئه‌هایی که خلق کردند حضور خودشان را مساوی با وجود امنیت در منطقه قلمداد کردند." بعد نتیجه می‌گیرد که، مثلث زور و زر و تزویر در نقده بدین گونه شکل گرفت: معبودی (زور)، خسروی (زر) و محرر (تزویر). "این مجموعه که باند ضدانقلاب را در نقده تشکیل داده‌اند، مشترکاً عهده‌دار به بدبختی‌کشاندن مردم محروم نقده شدند." این بود ملخص سه مقاله "جمهوری اسلامی"، و در این تلخیص در همجا تأکیدها از ماست.

\* \* \* ادامه دارد

کارگران در جهاد مقدس کار

درود بر کارگران قهرمان  
کارخانه نساجی شماره ۳ قائم شهر!

چندی پیش، از جانب رادیو ساری، مصاحبه‌ای با آقای اروند، مدیر تولید کارخانه نساجی شماره ۳ و همچنین چند تن از کارگران آن کارخانه به عمل آمد، که نظریه اهمیت مضمون مسأله مطرح شده، به نقل قسمت‌هایی از این مصاحبه می‌پردازیم. در مورد شروع فعالیت این کارخانه، میزان تولید و پیشی که کالاهای این کارخانه در اقتصاد کشور دارند، آقای اروند اظهار داشت:

"تولید کارخانه معمولاً پارچه‌های نخی است، که در این کارخانه بصورت خام تهیه می‌شود. میزان تولید این کارخانه حدود ۳۴ هزار تا ۳۵ هزار متر پارچه خام و نخی است، که برای تکمیل، مثل رنگرزی و غیره به کارخانه شماره ۲ منتقل می‌شود. ارتباط این کارخانه و سایر این صنعت در اقتصاد کشور می‌توان گفت: این یکی از اهمیت‌ترین صنایع کشور بعد از ذوب آهن و شرکت نفت، چه از نظر تولیدی و چه از نظر حجم کارگران شاغسل در آن است."

مدیر تولید کارخانه گفت:

"کارگران کارخانه در سه شیفت کاری می‌کنند. تعدادی از این کارگران از قبیل عده‌ای از منقذی خدمت‌های ۵۶ وعده‌ای دا و طلب به جبهه‌های جنگ اعزام شده‌اند، خوشبختانه جای آنها را سایر کارگران پر کرده‌اند، به این ترتیب که این کارگران کار آنها را هم تقبل کرده‌اند. بنا بر این بجای آنها کارگران جدیدی استخدام نشده‌اند. کارگران می‌گویند: حال که کارگران مادر سنگر در آن جایی که با گلوله سروکار دارند، هستند، ما هم بایستی با شعار: "ما شین سنگر ما ست، کارخانه سنگر ما ست"، یا: "صنعت سنگر ما ست"، اینجا انجام وظیفه کنیم. ما از نظر تولید در سال ۵۹ و تا این تاریخ بسیار بالا هستیم و در مقایسه با قبل از انقلاب ما به موفقیت‌های چشمگیری نائل شده‌ایم."

وسایل و قطعات

نکته دیگری که گفتن آن لازم است، تلاش کارگران مادر مورد آماده ساختن قطعات یدکی و جایگزین کردن قطعات یدکی داخلی بجای قطعات یدکی خارجی است. در این زمینه هم موفقیت‌هایی کسب کرده‌ایم."

مواد اولیه

"مواد اولیه ما دو نوع است: یکی الیاف طبیعی که همان پنبه است و دیگری الیاف سنتتیک است که در گذشته تمام الیاف سنتتیک از خارج تامین می‌شد. الیافی که اخیراً بکار می‌بریم، از الیاف داخلی و کاملاً طبیعی هستند که از مناطق گرگان و گنبد و خراسان و درمازندران بطور کلی تامین می‌شود. تا گذشته نماند که ما از نظر مواد اولیه کمبودی نداریم، یعنی تاکنون این جریان را حس نکرده‌ایم. تولید ما پیوسته روبه افزایش است، و اگرچه آمار و نمودارهای تولیدی مراجعه کنیم، هر روز تولید ما افزایش یافته‌است، و این را ما

جشن باشکوه انقلاب در کارخانه  
لوازم خانگی پارس

کارگران: تا تسلط سرمایه داران بزرگ بر تجارت خارجی و توزیع کالاها از بین نرود انقلاب با مشکل عظیمی روبرو خواهد بود.

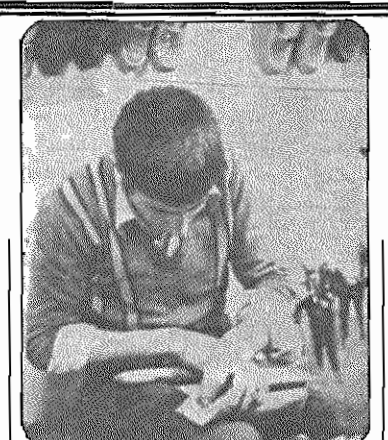
پیش روی کند، مسئله تجارت خارجی است. تجار بزرگ مواد اولیه و قطعات لازم را وارد می‌کنند و قطعه‌های را که مثلاً ۳۰ ریال خریدند، ۹۰ ریال می‌فروشند. بنا بر این تجارت خارجی با یدملی شود. گرانی مواد به این دلیل است که سرمایه داران بزرگ برای بخش از اقتصاد تسلط دارند. تا تسلط سرمایه داران از این بخش اقتصاد توزیع قطع نشود، انقلاب همچنان با مشکل عظیمی روبرو خواهد بود. چه دلیلی دارد که محصولات گران با شد؟ ما می‌توانیم با برقراری تسلط دولت بر تجارت خارجی این مشکل را حل کنیم. کسانی که مخالف این امر هستند، می‌گویند دولت قادر نیست امور را اداره کند. اما این دروغی بیش نیست، ظاهراً حرف درستی است، چون در آغا زنا هما هنگی برقرار می‌شود. ممکن است در تولید بعضی کارخانجات خلل ایجاد شود. لذا ما کارگران باید هشیار باشیم که در این مورد به دام توطئه‌های ضد انقلاب نیفتیم. اما بعد که مشکلات حل شد، دیگر ما مشکلاتی از قبیل گرانی و تورم و غیره روبرو نخواهیم بود. نام "مردم" - ضمن تبریک دومین سالگرد انقلاب به کارگران قهرمان، صمیمانه آرزو می‌کنیم که طبقه کارگران در راستای تعمیق و گسترش دستاوردهای انقلاب، در سال جاری نیز استوار، مطمئن و موفق، بردشوارهای موجود غلبه کند و بسهم خویش به شکوفایی نظام جمهوری اسلامی ایران یاری رساند.

ایران از نظر استراتژیکی برای آمریکا اهمیت زیادی داشته‌است. اما با انقلاب ما همه این منافع درهم ریخته‌است. بعد از ۲۲ بهمن سال ۵۷ آمریکا سعی کرد انقلاب ما را از درون تهی کند. دولت موقت هم نتوانست نقش مثبتی ایفا کند. سرانجام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام لانه جاسوسی آمریکا را تسخیر کردند و دست امیرانتظام‌ها، مقدم - مراغه‌ای‌ها، نژییه‌ها و امثال آنها رو شد. بعد از این آمریکا پی برد که سازش با این انقلاب و مسخ آن ممکن نیست. لذا اجرای طیس را آغاز کرد، و چون موفق نشد، دست به کودتای آمریکا "نوزده زد"، که با هشیاری پاسداران قهرمان خنثی شد. بعد رژیم عراق را علیه انقلاب مابرا نگیخت. آمریکا به حساب خود بهترین لحظه را انتخاب کرد. اما آمریکا در محاسبات خود اشتباه کرده بود. سپس گروهی از ورزشکاران باستانی کارگران را به اجرای ورزش باستانی پرداختند. در ضمن از طرف کارخانه باشیرینی از کارگران پذیرایی شد. در پایان یکی از حاضران که از کمیته کارگری تهران آمده بود، شروع به صحبت کرد و گفت: "انقلاب ما در جهت ملی کردن کارخانجات و بیرون کردن سرمایه داران وابسته و همچنین در جهت تشکیل شوراهای موفق بوده‌است. اما یکی از مسائل اساسی که سد راه انقلاب است و تا برداشته نشود، انقلاب نمی‌تواند

کارگران شهر صنعتی البرز دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران را، با برگزاری مراسم، گرامی داشتند. روز سه شنبه ۲۱ بهمن ۵۹، از ساعت ۲ تا ۴/۵، مراسم در قسمت "کانتین" کارخانه لوازم خانگی پارس برگزار شد. از طرف کارگران نمایشگاهی از سیر انقلاب تدارک دیده شده بود. همچنین نمایشگاهی از طرف جهادسازندگی در مورد جبهه‌های جنگ و نمایشگاه کاریکاتور نیز از طرف کارگران برپا شده بود. در این مراسم یکی از مهندسین کارخانه و عضو انتخابی هیئت مدیره کارخانه، که در حال حاضر در جبهه هوا از فعالیت می‌کند، صحبت کرد و از جمله گفت: "برای اینکه بدانیم چرا هم اکنون با عراق در جنگ هستیم باید کمی به عقب برگردیم. انقلاب ما کار عظیمی را انجام داده‌است. در مقایسه با انقلاب‌های دیگر، می‌بینیم که مثلاً مردم الجزایر در حدود ده سال جنگیدن و یک میلیون کشته دادند، تا، امپریالیست‌های فرانسوی را از کشور خود بیرون کردند و نیز مردم ویتنام سالیان سال جنگیدند. اما مردم ما با دست خالی در مدت کوتاهی توانستند آمریکا را از ایران بیرون برانند. آمریکا در ایران منافع بزرگی را از دست داده‌است. آمریکا سالیان سال منافع زیرزمینی ما را غارت می‌کرد و از ایران بعنوان پایگاه و علیه جنبش‌های آزادیبخش مثل ظفار استفاده می‌کرد.

کفاشان: اگر همه مردم با هم متحد باشند، آمریکا و صدام  
ضد انقلاب را به آسانی می‌توان شکست داد

مشکلات آنرا بخوبی درک می‌کنند. یکی از کارگران گفت: "بنویسید، اگر همه مردم با هم متحد شوند، آمریکا و رژیم صدام حسین و فدانقلاب‌داری را می‌توان به آسانی شکست داد. در کارگاه دیگری که از آن بازدید کردیم، دو نفر استادکار با تفاق سه نفر کارگر را می‌کشند. یکی از آنها گفت: "درآمد ما بسیار کم است، خصوصاً در شرایط جنگی حاضر، به علت نبودن مسافر، که عمده ترین خریداران محصولات ما هستند و همچنین به علت بالا رفتن قیمت مواد اولیه، درآمد ما فوق العاده پایین آمده‌است. دولت باید با تأمین اجناس مورد نیاز ما با قیمت‌های عادلانه از این صنعت حمایت کند." کارگران در مورد تاجران نظامی رژیم جنایتکار صدام به میهن انقلابی ما گفتند: "این توطئه‌ها است از سوی آمریکا، برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که به همت مردم ایران، این توطئه هم با شکست مواجه خواهد شد. دولت باید با ایجاد تعاونی‌ها در بخش‌های تولید صنایع کوچک و واگذاری اعتبارات دولتی، به حمایت جدی از شاغلین این صنایع، که در مجموع خودبخش مهمی از زحمتکشان کشور ما را شامل می‌شوند، بپردازد."



بنویسید: «اگر همه مردم با هم باشند، آمریکا و صدام و ضد انقلاب را به آسانی می‌توان شکست داد.»

دربار زدوبند شهر زنجان، چندین کارگاه کفش - دوزی وجود دارد. کارگران کارگاه‌ها مبتدی تولید کفش است. در این کارگاه‌ها حداقل یک نفر حداکثر پنج نفر کار می‌کنند. تفاوتی که تولید این کارگاه‌ها با دیگر کارگاه‌های کفش دوزی دارند، همانا طرح - های ابداعی است که تلفیقی از طرح‌های سنتی و نوین کفش است. در گذشته در این کارگاه‌ها، کفش‌های گلدان روتزینی زنانه دوخته می‌شد، که یکی از صنایع سنتی این شهر، یعنی "چارق - دوزی" است. واردیکی از این کارگاه‌ها ما شدیم، که سه نفر در آن مشغول کار بودند. از آنها در مورد کارشان پرسیدیم. یکی از آنها گفت: "کفش‌هایی که ما می - دوزیم، همه از نظر مرغوبیت در سطح خوبی قرار دارند و قیمت آنها هم بسیار ارزان است (حدود ۱۶۰۰ تا ۱۷۰۰ ریال) برای هر جفت کفش زنانه یا مردانه (بولی فروش ما بسیار کم است). کفاشان از سرمایه دارانی که در احتکار دست دارند، شکایت داشتند و می‌گفتند: "این سرمایه داران همه چیز را در بازار دست خود متمرکز کرده‌اند و به انقلاب ضربه می‌زنند." یکی از استادکاران در مورد مواد اولیه کفش دوزی ما گفت: "مواد اولیه ما عبارتند از چرم، پادوش، نخ، میخ و چسب که قیمت همه آنها تقریباً دوبرابر شده‌است، بطوری که

### ویژه روستاهای مازندران

مازندران یکی از غنی ترین استانهای کشور است. مسائل دهقانی و کشاورزی این استان، به علت وسعت و تنوع شرایط مالکیت و کشت در آن، بسیار مختلف و متنوع است. در صفحه دهقانی نامه "مردم" امروز، برخی از این مسائل را منعکس میکنیم.

## سری به دهات اطراف قائم شهر بزنیم

### به وضع روستای پایکلاه رسیدگی کنید

روستای پایکلاه از توابع شهرستان قائم شهر است. این روستا فاقد امکانات بهداشتی و درمانی و حمام است و از نظر آب آشامیدنی نیز سخت در مضیقه است. روستای پایکلاه دارای یک مدرسه سه کلاسه است که توسط یک معلم اداره می شود. در نتیجه بسیاری از بچه های این روستا برای ادامه تحصیل باید به روستای خلیج کلاه بروند. اهالی برای درمان و گرفتن قند و شکر و نفت و سایر ارزاق عمومی با ۴ کیلومتر مسافت تا روستای خلیج کلاه را که راهی پرازگل ولایت است، پیموده طی کنند. ماضن جلب توجه مقامات مسئول، از آنها می خواهم که به وضع این روستا رسیدگی جدی بعمل بیاورند.

### روستائیان سه روستای نزدیک شیرگاه حتی از آب آشامیدنی محرومند!

سه روستای کلیج آباد، روس آباد و آنگر کلاه در نزدیکی شهرستان قائم شهر، از اولین مایه حیات، یعنی آب محرومند. علاوه هنوزستم فئودالها برای این دهات سنگینی می کنند. اکثریت قاطع جمعیت این سه روستا بی زمین و بی زمین و کم زمین تشکیل یافته است که از حداقل شرایط زندگی برخوردارند. آنها حتی آب برای آشامیدن ندارند. اهالی این سه روستا برای دستیابی به آب و حفر چاه باید مقدار فراوانی پول خرج کنند، که متاسفانه از عهده شان خارج است. با اجرای قانون واگذاری زمین و ایجاد تعاونیها و تامین آب میتوان محصول بیشتری از این منطقه بدست آورد.

این روستائیان همچنین با مشکلات دیگری از قبیل فقدان مدرسه، حمام، درمانگاه، مواد غذایی و جاده خوب روبرو هستند.

بر مسئولین امر است که هر چه زودتر به وضع این سه روستا رسیدگی کنند و آنها را در تولید بیشتریاری دهند.

### بچه های «سم دشت» می خواهند تحصیل کنند.

سم دشت، که جزو منطقه حاشیه نشین قائم شهر به حساب می آید، دارای جاده خاکی است، که هنوز اسفالت نشده، ولی حمام و مدرسه و بناوئی و بهداشت و... ندارد. بسیاری از اهالی این منطقه زحمتکشانی هستند که با شغل آهنگری و کارگری، چرخ زندگی خود را می چرخانند. محل بازی کودکان در خاک، اشغال و کثافات است. در نخستین لحظه گذری به این روستا، می بینیم که چشم یکی از کودکان به علت بازی در خاک و کثافات،

## دهقانان آماده هر گونه پشتیبانی از هیئت های هفت نفری هستند

روستای عزت الدین، که در ۳۰ کیلومتری شمال شرقی ساری قرار دارد به علت شرایط مناسب کشاورزی، در گذشته همیشه مورد طمع فئودالها بوده و همواره در معرض حقیقتیها و بیادگریهای زیادی قرار گرفته است. این روستا حدود ۱۶۰ خانوار جمعیت دارد، که بسیاری از آنها روستائیان کم زمین و یا بی زمین تشکیل میدهند. زمینهای منطقه به قدری خوب است که برادر شاه ملعون، یکی از بزرگترین مجتمع های کشاورزی را، با غصب زمین کشاورزان و راندن دهقانان و خراب کردن خانه هایشان با بولدوزر، در دشت ناز ایجاد کرد. این مجتمع بزرگ، البته، بعد از انقلاب توسط نهادهای دولتی اداره می شود. اما مسئله زمینهای بزرگ مالکی، که در اطراف آن هستند، هنوز حل نشده است.

بین دو روستای "عزت الدین" و "اناردین"، در دو طرف جاده آسفالتی که سازمان زراعی دشت ناز را به کناره دریا متصل می کند، دو قطعه زمین به مساحت ۵۰ هکتار و دیگری به مساحت ۶۰ هکتار وجود دارد، که متعلق به "شاهرخ"، زمیندار بزرگ فراری وابسته به خاندان منحوس پهلوی است. یک قطعه زمین دیگر به مساحت ۶۰ هکتار در همین حوالی هست، که آن هم در اختیار یکی دیگر از زمینداران بزرگ است. باید در نظر گرفت که در این منطقه، ۳۰ هکتار و ۵۰ هکتار و ۶۰ هکتار، به علت مرغوبیت زمین و کیفیت خاک و شرایط آب و هوا، زمین بسیار وسیعی است.

ساکنان روستای اناردین، که اکثر آنها خوش نشینان هستند، با نیروی هشیاری و اتحاد خود، یک قطعه از زمینهای "شاهرخ" را گرفته اند و در اجرای فرمان کشت هر چه بیشتر کلیه زمین ها و انجام "جهاد کشاورزی برای مرتفع ساختن نیاز کشور به محصولات داخلی کشاورزی، آن را مشترکاً زیر کشت برده اند.

در روستای عزت الدین نیز، دهقانان در تدارک کشت مشترک قطعه دیگری از زمین هستند.

اگر دهقانان متحد باشند و مشترکاً عمل کنند، بسیاری از مسائل حل خواهد شد و به انقلاب کمک خواهد رسید. اما متاسفانه همیشه اینطور نیست. یکی از دهقانان کم زمین در این مورد می گوید: "چیزی که در این روستا دهقانان مستضعف را نگران کرده است، وجود دو دستگی و اختلاف در بین دهقانان است. وجود دو دستگی در روستای یکی از موانع مهم رسیدن ما به حقوق حقه مان است. از این اختلافات ضد انقلابی و فئودالها و عوامل آن ها بهره برداری می کنند."

اگر این زمینها بوسیله هیئت هفت نفری به دهقانان داده شود، ما دیگر غمی نداریم و تاپای جان از این قانون و این هیئت پشتیبانی می کنیم. ما حاضریم در صورتی که زمینها به ما واگذار شود، تمام توان خود و زن و بچه هایمان را به کار گیریم، تا محصول خوب بکاریم و تولید را بالا ببریم. وی در ادامه سخنانش گفت:

"این مالکین زمینداران بزرگ، هزار و یک نیرنگ بکار می برند، تا به انقلاب ضربه بزنند. زمینها را بخوبی کشت نمی کنند و سعی دارند تنها مقداری بذر بپاشند، تا زمین فقط کمی سبز



شود. در این راه آنها می کوشند مانع از اجرای قانون شوند. از این راه آنها تولید را کم می کنند، تا دوباره وابسته به خارج شویم. از این راه مالکان عمده به نفع آمریکا کار می کنند. در حالی که ما دهقانان محروم با دست خالی از انقلاب و امام خمینی پشتیبانی می کنیم. برای نمونه در حال حاضر دوتن از کشاورزان این روستا در جبهه جنگ با مزدوران آمریکا در نبردند.

وی در پایان سخنانش افزود: "ما با تمام وجودمان از هیئت هفت نفری پشتیبانی می کنیم. باید هر چه زودتر قانون واگذاری زمین به وسیله این هیئت به اجرا در آید و به ما جواز مالکیت بدهند، تا از شر فئودالها آسوده شویم. این کار باعث می شود که برای رسیدن به خودکفایی، با دلگرمی و پشتکار بیشتری در جهاد کشاورزی فرموده امام شرکت کنیم."

در مورد وضع بهداشت و کمبودهای این روستا، باید گفت که چند ماهی است که این روستا برق کشتی شده است. ولی متاسفانه وضع آب آشامیدنی کشاورزان ناراحت کننده است، زیرا که آب چاه های عمیق خانه ها تلخ و شور و غیر بهداشتی است، به طوری که در مواقعی که باران می بارد، روستائیان از آب باران استفاده می کنند، که این خود منشاء بیماری های مختلف است.

مشکل اساسی دیگر روستائیان، نبودن درمانگاه در محل است. سلامت روستائیان در معرض تهدید جدی محیط غیر بهداشتی است. همچنین، با اینکه هر ساله چندین بار سیل به محصولات

## دهقانان ده «طلوت» توانستند با اتحاد عمل به حق دیرینه خود برسند

دهقانان ده «طلوت» در نتیجه اتحاد عمل توانستند یک فئودال را، که سالیان دراز بر آنان حکمرانی می کرد، از روستای خود بیرون کنند.

این فئودال در اختیار رده قرار گیرد و دهقانان از آن استفاده کنند. دهقانان در این جلسه گفتند: "ما دیگر زیر بار ظلم نمی رویم و اجازه نمی دهیم که دیگران بر ما حکمرانی کنند. اگر این فئودال بخواد، ما حاضریم یک مقدار زمین به خودش بدهیم که رویش کار کند، ولی هیچ دهقانی دیگر برایش رعیتی نمی کند." دهقانان همچنین با اتحاد عمل توانستند جلوی اقدامات خرابکارانه پسران فئودال را، که میخواست جوده را متشنج کند، بگیرند. زمین های این فئودال هم اکنون در دست روستائیان است و اهالی روستا با کار کردن روی زمینها، بعد از چند سال به حق دیرینه خود رسیده اند.

خواهان ادامه پیگیری این کلاس در محل هستند. تامین بهداشت و آموزش برای کودکان روستایی از وظایف اولیه مسئولان متعهد است. انقلاب ما با یدافق تازه ای را از این زمینه بروی دهقانان بگشاید.

"طلوت" دهی در کناره جاده کنج فروز بابل است. در این ده، فئودالی به نام "احمدی" زندگی می کرد، که با آزار و شکنجه اهالی ده، بر آنان حکمرانی می کرد. این فئودال با اجیر کردن دهقانان، به آنها وعده مزد کلان می داد، ولی بعد از اتمام کار روبرداشت محصول، دهقانان را با مشت و گوی می راند. یکی از دهقانان، که به اشتراک و لگدهای این فئودال، دچار تنگی نفس شده است، در این مورد می گوید: "کار این شخص به جای کشیده بود که به ما موساهالی ده تجاوز میکرد." وی که این سخنان را با خشم و تنفر بیان می کند، در ادامه سخنانش می گوید: "در این مورد شکایات فراوانی کردیم و حتی نماینده هم به نزد ما فرستادیم، تا بالاخره با اتحاد عمل اهالی ده، موفق شدیم که این فئودال جانی را از ده بیرون کنیم." در جلسه ای که در مسجد محل برگزار شد، قرار شد که زمینهای

علت کار کردن و کمک به خانواده. دستهایشان همانند دست یک کارگر کهنسال پینه بسته است. کودکان از هفت سال به بالا اکثر آنها به علت دور بودن محل مدرسه، نمی توانند به مدرسه بروند. یکی از اهالی محل در این مورد می گوید: "خودمان سواد نداریم و

# جبهه آزادبخش بحرین برای استقلال واقعی بحرین بیکار میکند

بحرین اکنون یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی و اقتصادی امپریالیسم آمریکایی در خلیج فارس است.

جبهه آزادبخش بحرین در شرایطی تاسیس یافت که مبارزات ملی، بویژه در سالهای ۳۵-۱۳۳۳، باوج خود رسیده بود. در آن هنگام بحرین کشوری بود پس عقب‌افتاده؛ کارگران بحرین از سنن غنی مبارزه بی‌پیره بودند؛ کشورهای عربی را موجی وسیع از تعصب شوونیستی-ناسیونالیستی فرا گرفته بود؛ پیامدهای جنگ سرده در این نقطه از جهان نیز مشاهده میشد.

برنداشته است. جبهه آزادبخش بحرین اسنادی در اختیار دارد که استقرار کماکان نیروهای هوایی و دریایی آمریکا را در بحرین ثابت می‌کنند. تشدید حضور ایالات متحده آمریکا در بحرین «علاقتمندی» کسرن‌ها و بانکهای چندملیتی را نیز نسبت به این کشور افزایش بخشیده است. با اینکه پیش از هشت سال از اعلام استقلال سیاسی بحرین میگذرد، این کشور بیش از همه وقت از استقلال و حاکمیت راستین دور است. بگفته عبدالله رشید:

«بحرین، در واقع، به پایگاه ایالات متحده آمریکا و همپیمان ارتجاع عرب، بویژه عربستان سعودی، تبدیل شده‌است.»

جبهه آزادبخش بحرین خواستار آنست که پایگاههای امپریالیستی در بحرین تعطیل، همه پیمانهای باصطلاح «امنیتی» رسمی و مخفی بسا کشورهای امپریالیستی لغو و بحرین از بند سیادت انحصارهای چندملیتی غرب آزاد گردد.

بگفته یکی از رهبران «جبهه»: «جنبش ملی کشورما، بویژه کمونیست‌ها، مبارزه خویش را با حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و خطر جنگ در این منطقه، بخشی از یککار عمومی جهانیان در راه پیشرفت و صلح میدانند.»

کشورها، برای حفظ سیادت خود بر بحرین (و دیگر کشورهای منطقه)، به آنجا نه تنها کالا و جنگ‌افزار میفرستند، بلکه به صدور ایدئولوژی خود نیز می‌پردازند. «سیما» مدت‌هاست که برای رهبری فعالیت‌های موسسات اجتماعی و مقام‌های اداری بحرین، کارشناسانی به این کشور گسیل می‌دهد، که در ترویج «شیوه زندگی آمریکایی» تخصص دارند. از دیگر وظائف این «کارشناسان» پخش اراجیف ضد کمونیستی و ضد شوروی است. دولت بحرین هرگونه صدای اعتراضی را، که علیه حضور ایالات متحده آمریکا در کشور بلندشود، در گلو خفه میکند. دولت، با آنکه تحت فشار افکار عمومی، چندین بار مجبور شده است که در ظاهر تعطیل پایگاههای نظامی ایالات متحده را در بحرین متعهد گردد، در واقع، هیچگونه گامی در این زمینه

پرداخته‌اند. به گفته عبدالله رشید، یکی از اعضای رهبری جبهه آزادبخش بحرین، بخش بزرگی از کارشناسان آمریکایی، که پس از انقلاب ۲۲ بهمن ایران مجبور به ترک کشور ما شدند، اینک در بحرین استقرار یافته و «بحرین را به بزرگترین فرماندهی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه تبدیل کرده‌اند.»

واقعیت نامبرده حاکی از اهمیت استراتژیکی است که امپریالیسم ایالات متحده آمریکا برای بحرین قائل است (بحرین دارای ۶۶۲ کیلومتر مربع مساحت است و ۲۶۷۰۰۰ نفر جمعیت دارد). مانند دیگر کشورهای منطقه، بحرین برای امپریالیسم نه فقط از نظر استراتژیک مهم است، بلکه همچنین بازار خوبی برای انحصارگران کشورهای امپریالیستی است. اما رژیم‌های این

## شرح حال برخی ...

بقیه از صفحه ۳

خود داشتند تخلیه کردند و شیشه‌های آنرا نیز شکستند، تا از این طریق تبلیغاتی بر علیه معبودی کرده باشند.

۲- مراد قطاری

می‌باشد... تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی رئیس انجمن شهر پیرانشهر بود و از لحاظ اخلاقی آدم بسیار کثیف و لجنی است. از همکاران صدیق ساواک بشمار میرود و از عناصر بسیار فعال در جهت تحکیم رژیم پیشین محسوب میگردد. مخصوصاً در سنگبری چریک‌های کرد ضد شاه با ساواک نهایت همکاری را داشت و شاید در کشتن افرادی مانند ملا و آواره، اسماعیل شریف (شریف زاده) سلیمان معینی و... نقش زیادی داشته باشد. این شخص به خاطر آن که از نظر اخلاقی کثیف بوده، معمولاً جهت خوش گذرانی‌های مرسوم در حکومت طاغوتی، مهمانی‌های فراوانی ترتیب میداد که در آنها از تمامی روسای ادارات، سرمایه داران و ساواکی‌ها دعوت به عمل می‌آورد و آنچه که به مذاق اینان خوش بود برایشان ترتیب میداد. ضمناً بخاطر حمایت شدن از سوی ساواک از بسیاری از افراد منطقه اخاذی مینمود. ایشان نیز همچون معبودی که هم اکنون مقام معاونت او را دارد، از چماق داران فعال در سرکوبی تظاهرات بوده است. اضافه بر آنچه که گفتیم بطور داوطلب در «کمیته اقدام ملی» که از سوی ساواک و حزب رستاخیز ایجاد شده بود شرکت میکرد و در این مورد قسمتی از یکی از اطلاعاتی که از حزب رستاخیز، شعبه پیرانشهر چنین است:

«بنا به پیشنهاد جناح پیشرو حزب رستاخیز ملت ایران به منظور مبارزه با هرگونه آشوب‌گری و استعمار-طلبی کمیته‌هایی بنام کمیته اقدام ملی با شرکت افراد داوطلب و سرشناس و خدمتگزار در شهرستان تشکیل میگردد. با کمال مسرت کمیته اقدام ملی شهرستان پیرانشهر به مشارکت افراد ذیل: ۱- الهوردی اکبری ۲- مراد قطاری ۳- ... موجودیت خود را اعلام و از عموم همکاران... انتظار دارد جهت مبارزه... با این کمیته همکاری و تبادل نظر نمایند.»

۳- دکتر بهمن خسروی

دکتر بهمن خسروی از فتوادل‌های بزرگ منطقه سلدوز است که مجموعاً ۱۵۵۰ هکتار زمین دارد و همچنین دارای مقادیر زیادی احشام و ثروت نقدی می‌باشد و علاوه بر آن شغل خودش طبابت است که درآمد بالایی دارد. ضمناً برادر این شخص بنام نرود خسروی نیز فتوادل است و در ارتباط با بختیار می‌باشد...

۴- دکتر امیر فلاح شخص مذکور نیز جزو فتوادل‌ها

های بزرگ است و دارای ۱۵۰ هکتار زمین و املاک می‌باشد و فی المجموع بیشتر املاک شهر نقده، محمدیار و ارومیه مربوط به ایشان است و افراد دیگری نظیر بهمن نصیری و حاج غلام که از لحاظ اخلاقی از سنخ معبودی هستند...

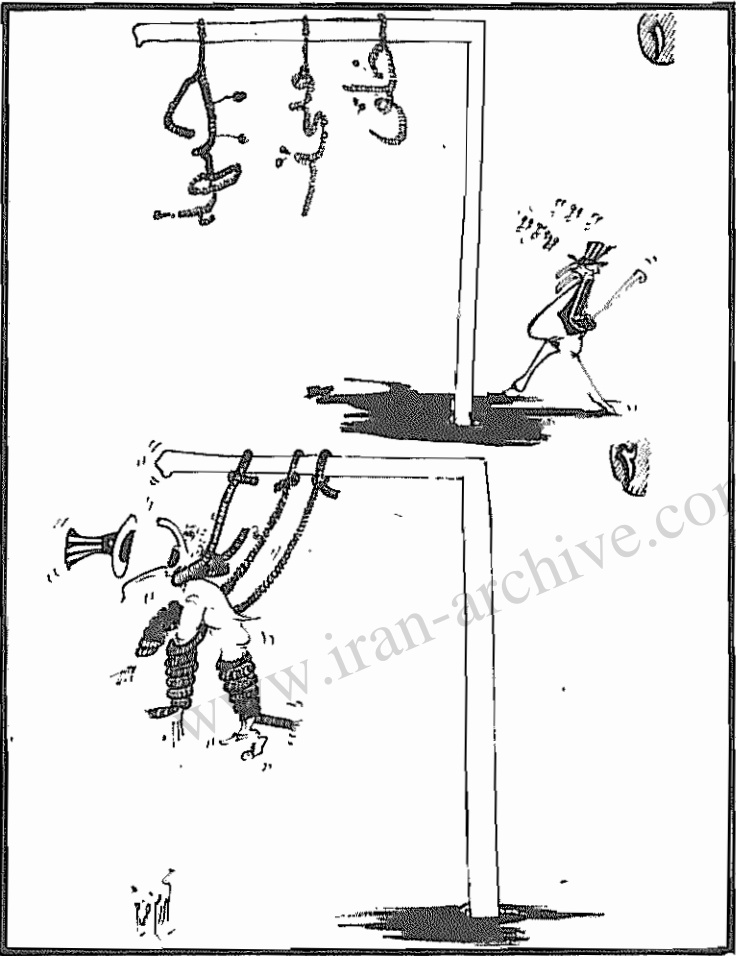
۵- حاج میرزا ابراهیم محرز

آقای محرز یکی از روحانی نمایان شیعه مذهب و از اهالی ترک‌زبان نقده است. در رژیم سابق جهت‌گیری مبتنی بر اسلام نداشت و پیش از آن که خود را در خدمت اسلام و طبعاً مردم محروم در آورد. رفاه خود را ترجیح داده و بگونه‌ای عمل کرده که از طرف ساواک نسبت به ایشان ابراز خرسندی و قدر داننی شده که ماجبهت طولانی شدن مطلب قسمتهای از دو گزارش ساواک را با تاریخهای ۴۸/۱۲/۳ و ۴۶/۲/۱۲ و به شماره‌های ۱۲۸۹ و ۲۵۱۲۴ در مورد آقای محرز به شرح زیر می‌آورد: به قرار اطلاع واصله آقای حاجی میرزا ابراهیم محرز ساکن نقده یکی از روحانیون موافق بوده و همواره مردم را در مورد اقدامات اصلاحی دولت خوشبین نموده و فردی است شاه‌دوست...

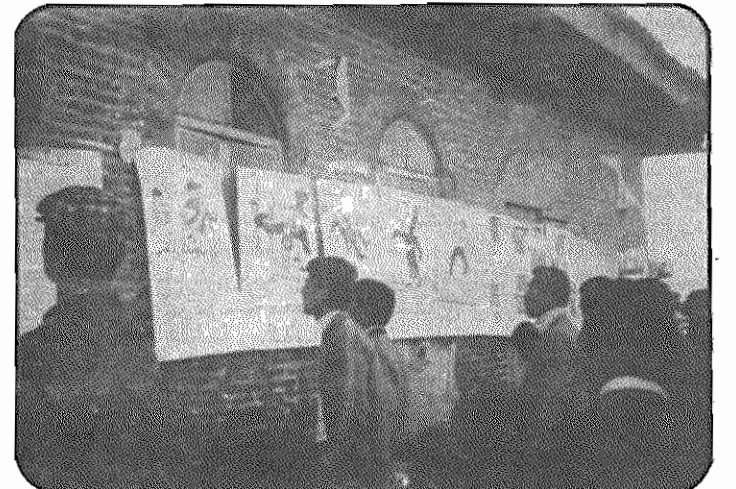
برابر اطلاعات واصله نامبرده روز پانزدهم بهمن دعا و نیایش در مسجد جدید الاحداث نقده با حضور عده‌ای از اهالی برگزار نموده و ضمن سخنرانی بذات شاهنشاهی آریامهر مردم را به اتحاد و اتفاق و شاه دوستی و میهن پرستی ترغیب و تشویق می‌نماید...

گذشته از همکاری پیدا و نهانی با ساواک از لحاظ مالی نیز در موقعیت خوبی به سر میبرد چنانکه یک خانه بزرگ و شیک برای زندگی کردن دارد و در مجاور آن محوطه‌ای هم مساحت خانه جهت نگهداری مرغ و خروس و... دارد و بنا بر گفته خودش دارای دو باغ سیب و انگور نیز می‌باشد. البته ایشان مدعی است که در برداشت محصول از باغات سیب و انگور علاوه بر سود نبردن ضرر هم کرده...

ضمناً در عین حال که خود را سرسخت‌ترین روحانی مبارز و مجاهد در آذربایجان غربی و شرقی می‌داند، عمل تقسیم اراضی را یک کار کمونیستی تلقی میکند و در این رابطه آقای رضا اصفهانی را مفتخر به لقب «رفیق» نموده است و به علت داشتن چنین بینشی، از پافشاری جهاد سازندگی و سپاه پاسداران نقده بر تقسیم اراضی فتوادل‌ها و عقیده به دستگیری عناصر ضد انقلاب... اینطور برداشت کرده که در شورای فرماندهی سپاه و جهاد فدائیان رخنه کرده‌اند و این تندرویها از سوی آنان است و سخت بر این نکته تأکید می‌کند که در اسلام مساوات نداریم چون مساوات عقاید کمونیستی است! و طبعاً جوانانی را که عقیده به ایجاد عدالت اجتماعی دارند، از نظر وی یا جنبشی هستند یا فدائی و متقابلاً از حاج عظیم



## افشای توطئه جدید امپریالیسم آمریکادار کسما و گوراب زرمیخ (گیلان)



به همت اعضاء و هواداران سازمان جوانان توده ایران - استان گیلان، روز ۲۹ دی ماه ۵۹ نمایندگان دربار توطئه جدید امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ضدا مپریالیستی و خلقی ایران، در گوراب زرمیخ (گیلان) برپا شد. این نمایشگاه در مدت برپایی خود، با استقبال مردم مواجه شد.

معبودی و مراد قطاری و بهمن خسروی بیشترین دفاع را میکنند و آنان را پیروان اصیل خط امام میدانند!! به هرحال ایشان نیز همچون سایر هم جبهتان خود در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از عناصر مخالف انجام

## سال دفاع و تولید در نیکاراگوئه

نیروهای میهن‌دوست نیکاراگوئه سال میلادی ۱۹۸۱ را بعنوان سال دفاع و تولید اعلام کرده‌اند. در واقع نیز این شعار مهم‌ترین وظایف روند انقلابی را باز می‌تابد، که بیش از یکسال و نیم پیش در این کشور آغاز شد. علیرغم کوشش‌های فداکارانه کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان نیکاراگوئه، هنوز میراث شوم اجتماعی - اقتصادی رژیم سوموزا همه‌جا نمایان است. فرون بر این، محافل ارتجاعی پورژوازی نیکاراگوئه کماکان به کارشکنی‌های خود ادامه میدهند و از هیچ تلاشی برای مقابله یا دگرگون‌سازیهای انقلابی دریغ نمی‌ورزند. از اینرو، رهبری ملی «جبهه آزادبخش ساندنیست» و دولت نیکاراگوئه زحمتکشان این کشور را فراخوانده‌اند تا به افزایش همه‌جانبه تولید بپردازند و از این‌سراه وضع اقتصادی نیکاراگوئه را ثبات بخشند و به بالابردن سطح زندگی کمک کنند. در این زمینه، برداشت هرچه بیشتر قوه و بنیه - مهم‌ترین فرآورده‌های صادراتی نیکاراگوئه - اهمیت ویژه دارد. اسمال شرایط جوی سبب شده است که وقت برداشت محصول قهوه و پنبه در آن واحد فسرارسد. از آنجا که کشاورزی نیکاراگوئه با مسئله کمبود نیروی کار روبروست، هزاران داوطلب، بویژه دانش‌آموزان و دانشجویان نیکاراگوئه، فراخوان دولت انقلابی را اجابت کرده‌اند و در برداشت «طلای سبز و سفید» شرکت فعال دارند. از سوی دیگر، تهدیدات اخیر امپریالیسم ایالات متحده آمریکا علیه نیکاراگوئه بار دیگر ضرورت افزایش آمادگی رزمندگی نیکاراگوئه را یادآور شد. از اینرو شعار «زحمتکشان، به ارتش توده‌های خلق بپیوندید!» این روزها، بیش از همه وقت، فعلیت خود را بثبوت میرساند. از دوازدهم بهمن ماه ۱۳۵۹، شش کانون آموزش «میلیسیاس پوپولارس» در ماناگوئه شروع بکار کرده است. در این کانونها ۲۴ هزار میلیس آموزش می‌یابند.

چندی پیش گماندات بسیار آرسه، هماهنگ‌سازی «کمیسیون سیاسی رهبری ملی جبهه آزادبخش ساندنیست»، اعلام داشت که باید با افزایش بهره‌وری کار و هوشیاری انقلابی از حاکمیت ملی پاسداری کرد. وی یادآور شد که خلق‌های جهان، همانگونه که در دوران بیکار مسلحانه دلاروان نیکاراگوئه علیه رژیم دیکتاتوری از هیچگونه همبستگی با خلق نیکاراگوئه دریغ نوزیدند، در آینده نیز همواره به پشتیبانی خود از مردم این کشور ادامه خواهند داد. کنفرانس بین‌المللی، که برای همبستگی با خلق نیکاراگوئه نزدیک به یکماه پیش در ماناگوئه برگزار شد، باز دیگر این واقعیت را بثبوت رسانید.

# تکمیل کابینه ضرورت مبرم روز است

هفته‌ها و ماه‌ها یکی پس از دیگری می‌گذرد و مسئله انتصاب و تصویب وزیران وزارتخانه‌های امور خارجه، بازرگانی و اقتصاد و دارایی همچنان معلق باقی است و این وضع نه فقط اسفناک و شکست‌انگیز بلکه باعث نگرانی جدی است. هر سه وزارتخانه بی‌وزیر مهمترین وزارتخانه‌ها هستند و فلج کار این هر سه وزارتخانه امری نیست که بتوان آنرا سرسری گرفت.

وزارت خارجه، دستگامی است که جمهوری اسلامی ایران بوسیله آن با دیگر کشورهای جهان تماس و ارتباط و مناسبات برقرار میکند این یکی از مهمترین عرصه‌های فعالیت است که اگر جوابگویی مسئولی نداشته باشد خواستار ناامنی و احیانا دچار تناقضات زیان‌بخشی خواهد بود. هم‌اکنون دقت در اختیار فاقسی که در مطبوعات درباره عملکرد هیئت‌های نمایندگی که به ۳۰ کشور خارجی اعزام شده‌اند منتشر شده نشان میدهد که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، هنوز سلیقه‌ها و نظرات شخصی اشخاص نقش دارد و این وضع، هم بدلیل اینست که مبانی و خطوط اساسی سیاست خارجی ما هنوز تدوین و تصویب نشده و هم بدلیل اینکه وزیر مسئول و جوابگوی سیاست خارجی، در زان این وزارتخانه مهم قرار نگرفته است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید از اعتبار و ثباتی بر اساس مبانی و خطوط اساسی مدون و مصوب برخوردار گردد و این اعتبار و ثبات، در وجود وزیر امور خارجه مجسم می‌شود که ناظر و معجری آن مبانی و خطوط اساسی باشد و وزارت خارجه بدون وزیر مسئول جوابگوئی در برابر مجلس شورای اسلامی ایران، به موسسه‌ای بی‌مدیر و بی‌مسئول میماند و کار هر موسسه بی‌مدیر و بدون مسئولی بطور دچار انواع نارسایی‌هاست.

وزارتخانه‌های بازرگانی و اقتصاد و دارایی نیز مهمترین امور اقتصادی کشور را در دست دارند. یعنی اموری که با حیات انقلابی جمهوری اسلامی ایران ارتباط مستقیم دارد. امر ملی کردن بازرگانی خارجی و نیز مهار کردن شلتاق بزرگ سرمایه‌داران، محترکان، واسطه‌های زنجیری، در عرصه بازرگانی داخلی، بکنند حرکت لاینت پیش میرود و نتیجه آن، از یکسو رکود تولید و از سوی دیگر گرانی روزافزونی است که هر دو متحدان قوی‌ترین ضداثبات هستند.

کاروزارت اقتصاد و دارایی نیز که می‌بایستی با برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و درازمدت و اجرای فعال آنها، بنیاد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را سرعت تقویت کند، ناگفته پیداست که چنانکه شاید و بایست، از مهمترین عملی که این هر دو وزارتخانه با کاردانی و سرعت عمل نمی‌کنند، محروم بودن آنها از وزیران مسئول و جوابگوئی است که بتوانند نارسایی‌های موجود را برطرف سازند و در راه نوسازی اقتصادی کشور بسود زحمتکشان یا قاطعیت گام بردارند.

بدیهی است برای انتخاب وزیران امور خارجه، بازرگانی و اقتصادی و دارایی در کشور، وجود دارد. میتوان اشخاص را برای مقام‌های مزبور، یافت که هم مومن و متعهد به انقلاب و هم کاردان و وارد به امور سیاسی، بازرگانی و اقتصادی باشند. ظاهرا نیز اشکال کار در این زمینه نیوده نیست. اگر چنین است آنگاه مانع انتخاب و تصویب وزیران وزارتخانه‌های سه‌گانه نامبرده یا در نتیجه اختلاف سلیقه‌های شخصی مقامهای مسئول است و یا احتمالاً قویتر در نتیجه وجود دو «خط» در سیاست خارجی و نیز در عرصه امور بازرگانی و اقتصادی است. در هر دو حالت، باید گفت که حل قضیه نمی‌تواند معلق بماند، نه اختلاف سلیقه‌های شخصی و نه احتیاجات وجود دو «خط» نمی‌تواند و نباید سبب ایجاد وقفه در کاری شود که یا زندگی، ثبات و تحکیم انقلاب ارتباط مستقیم دارد. تکمیل کابینه دولتی ضرورت مبرم روز است. بویژه اگر توجه شود که این مهمترین وزارتخانه‌ها هستند که دچار تعلیق در انتخاب و تصویب وزیران خود هستند، کشور این گره برعکس هم ریاست جمهوری، هم دولت و هم مجلس شورای اسلامی است و این هر سه مقام، هر کدام البته بدرجائی، در مقابل انقلاب مسئولیت دارند. که آنرا پشیمانند

## در دام نظریه امپریالیستی - مائوئیستی «سازش دوا بر قدرت» نیفتیم

رفیق نورالدین کیانوری:  
از: پرش و پاسخ  
۱۱۰۷۳  
۵۹۱۱۲۳  
۲

مهم‌ترین راه غلبه بر گران می‌بازره با سرمایه‌داران وابسته‌است؛  
متاسفیم که در ویژه‌نامه «مجاهد» بمناسبت سالگرد انقلاب،  
عناصر لیبرال و ضدانقلاب تطبیق میشوند؛

تئوری «سازش دوا بر قدرت» تنها برای منحرف ساختن مبارزه  
پر ضد امپریالیسم آمریکا و پوشش دسیسه‌های آن علم میشود؛  
عوامل امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد اهدافی ضدانقلابی  
خود «خبر» سفارش میدهند؛

س: آقای بهزاد نوی قبل از مسافرت خود به هند درباره عمل گران صحبت کرد و از شما نام برد: تورم جهانی، جنگ و سودجویی سودگران. وی گفت که دو عامل اولی از اختیار ما خارج است و در مقابله با عامل سوم مردم هستند که مسئولیت بیشتری متوجهشان است. نظر شما در این باره چیست؟

ج: این سه عامل را می‌توان بعنوان برخی از عوامل گرانی بحساب آورد، ولی بنظر ما استدلال آقای نوی درست و کافی نیست.

درست است که تورم جهان سرمایه‌داری در گرانی داخلی بی‌تأثیر نمی‌تواند باشد. اما تجربه خیلی دیگر از کشورها نشان می‌دهد که می‌توان در یک اقتصاد رهبری شده این تأثیر را از بین برد و یا حداقل بسیار ناچیز کرد.

در مورد جنگ هم، نمی‌شود گفت که یکی از عوامل اصلی گرانی است. درست است که از شرایط جنگ برای گرانفروشی و احتکار استفاده می‌شود، ولی بنظر ما علت اصلی را باید در جای دیگر دید: وابستگی نسبتاً دست‌نخورده بازار مصرف ما به اقتصاد کشورهای غربی و سودجویی سرمایه‌داران وابسته.

البته شواهدی در دست است که اولیای اموریه این واقعیت بی‌برده‌اند و اقداماتی هم در این زمینه شروع شده است. اما بنظر ما این کافی نیست و این دولت است که باید در این مورد قاطعیت خیلی بیشتری نشان دهد. وگرنه تنها مردم که کاری از دستشان بر نمی‌آید! فرض کنید می‌روید بقالی و جنسی را که دیروز یک تومان می‌خریدید، امروز بقال می‌خواهد دو تومان به شما بفروشد. چکار می‌کنید؟ می‌زنید توی گوش بقال که چرا بجای یک تومان، دو تومان از من می‌گیری؟ آخر این یک تومان اضافی که بقال از شما می‌خواهد، توی جیب او نمی‌رود. اگر او یک قران را در جیب خود بریزد، ۹ قران آن نصیب دیگران می‌شود. همان سرمایه‌داران وابسته و محترکان که مقرر اصلی هستند. با اینهاست که باید مبارزه بشود و این هم در درجه اول کار دولت است. از طریق رهبری عمومی اقتصاد، ایجاد پخش وسیع دولتی و تعاونی برای توزیع کالا و غیره. البته منظور ما تعاونی‌هایی نیست، که بعضی سرمایه‌داران هم به فکر تشکیل آنها افتاده‌اند. مثلاً اخیراً شنیدیم که یک سازمان «تعاونی کارخانه‌دارهای کمیوت سازی در خراسان» درست شده است. نه منظور ما چنین «تعاونی‌هایی» نیست (این سوء استفاده‌ای است که سرمایه‌داران از مفهوم تعاونی می‌کنند و هدفشان در واقع همان گروه‌بندی‌های انحصاری است، که طبق قانون اساسی ممنوع است!)

نه تنها در کشورهای سوسیالیستی، بلکه همچنین در کشورهایی که در راه رشد غیرسرمایه‌داری و یا با سمت‌گیری سوسیالیستی گام برمی‌دارند تجربیات فوق‌العاده غنی در زمینه مبارزه با گرانی و تورم موجود است. بنظر ما باید این تجربیات را به دقت مطالعه و از آنها استفاده کرد. مبارزه با گرانفروشی در هم‌ما مبارزه با گرانفروشی است و این عین همان ریاضیات دو دو تا چهار تا است، که بقول امام خمینی دیگر «اسلامی» و «الحادی» ندارد. البته سرمایه‌داران وابسته و ضدانقلاب در اینجا هم سعی خواهند کرد کارشکنی کنند، ولی تنها جواب آنها قاطعیت بیشتر است.

س: (ظاهراً) از طرف یکی از هواداران «سازمان مجاهدین خلق ایران»؛ چرا حزب توده ایران اکنون «سازمان مجاهدین خلق ایران» را، که چنین سابقه فعالیت و مبارزه انقلابی دارد، اینطور هدف اقتصاد شدید خود قرار می‌دهد؟

س: آیا به نظر شما برخوردتان با «سازمان مجاهدین خلق» بیش از حد ملایم نیست؟ بخصوص با توجه به این واقعیت که این سازمان اکنون دو کنار لیبرال‌ها، «بیگار»ها و «رنجبر»ها قرار گرفته‌است.

ج: در جواب به هر دو سؤال ما صحبت‌های خود را بطور مفصل درباره سازمان مجاهدین خلق کرده‌ایم. بخصوص در سند گفتگوی با سازمان مجاهدین خلق ایران «کمیته مرکزی حزب ما». هر روز هم که می‌گذرد، نظرات ما بیشتر تأیید می‌شود. البته ما هنوز امیدواری خود را از دست ندادهایم که نیروهای سالم در میان «مجاهدین خلق» با اشتباهات جدی خود بی‌بهرند.

اما آخرین شماره روزنامه «مجاهد»، که به مناسبت سالگرد انقلاب منتشر شد، خلاف اینست. در این شماره آقای مسعود رجسوی ۱۲ - ۱۰ صفحه از آقای مهندس بازرگان تعریف می‌کند و آن هم درست هنگامی که فاش می‌شود که آمریکا چقدر به روی کار آمدن «میان‌روها» دل بسته‌است. تقریباً یک صفحه و نیم همین شماره هم در اختیار عبدالرحمن قاسملو گذاشته شده است که واقعات منتشره درباره خود را «اتهامات» بخواند.

ما از این نظر متأثر هستیم و نمی‌دانیم که «مجاهدین» به کجا می‌روند و شماره آینده «مجاهد» چه چیزهای دیگری به ارمان خواهد آورد. مسلم این است که راهی که «مجاهدین» الان پیش گرفته‌اند، هرچه بیشتر به راه نیروهای که درصدد براندازی انقلاب ایران هستند، نزدیک می‌شود و آنها را از راه واقعی مبارزه دور می‌کند. اما بنظر من، رویدادهای کشور ما چنان سریع است که، نیروهای سیاسی، از جمله «مجاهدین» را به موضع‌گیری مشخص و روشن مجبور خواهد ساخت.

نامه «مردم»: رفیق کیانوری در پایان جلسه «پرش و پاسخ» برای چندمین بار خواهش کرد که از طرح سؤال‌های تکراری خودداری شود. بهتر است که پرسش‌کنندگان پیش از طرح سؤال‌های خود، به سؤال‌های گذشته و مقالات نامه «مردم» هم نظری بیافکنند. امکان آن هست که در نوشته‌های نامبرده، به سؤال‌های آنها جواب داده شده باشد.

س: اخیراً بعضی از دولت‌مدان، بویژه آقای سرهنگ فکوری، وزیر دفاع، بار دیگر تز «سازش دوا بر قدرت» را مطرح می‌کنند. بنظر شما، علت طرح این تز برای چندمین بار و با چنین حوارتی چیست؟

ج: تز «سازش دوا بر قدرت» چیز تازه‌ای نیست. تز مائوئیستی است، که خیلی پیش در اواسط سال‌های ۶۰ مطرح شد. بدبختانه هنوز کسانی پیدا می‌شوند که هر چند یکبار توی خاکروب‌های تاریخ می‌گردند و چنین سلاح‌های زنگ‌زده‌ای را بیرون می‌آورند.

این تز در گذشته در ایران همیشه موقعی مطرح می‌شده‌است که آمریکا و عمالش توطئه‌های را تدارک می‌دیدند و یا آنکه می‌خواستند انقلاب را بسوی سازش با امپریالیسم منحرف کنند. نمونه‌های این‌گونه توطئه‌ها را هم در آستانه «کنفرانس اسلامی» و هیاهوی ضد شوروی آقای قطب‌زاده دیدیم و هم در حین تدارک تجاوز طبعی.

چنین تزهای قلبی و دروغ‌هایی بعضی اوقات در مراکز «سیا» در خارج اختراع و خیلی وقت‌ها هم در شعب «سیا» در ایران «سفارش» داده می‌شود. یکی از آخرین نمونه‌های چنین دروغ‌هایی «خبر کذایی واگذاری ۱۰۰ تا تانک پیمان ورشو بود، که گویا از طریق عربستان به عراق تحویل داده شد» یا اینکه درست موقعی که آخرین تدارکات توطئه طبعی دیده می‌شد، دوستان کارتر طرح نام‌های را برای او تنظیم کردند که برای اصنام خمینی بفرستد. چنین نامه‌ای با چنین شیوه شرقی تنها در اینجا می‌توانست تهیه بشود، البته با مشورت با هامیلتون جردن و وزارت خارجه آمریکا و خود کارتر. اینها فکر کردند: خوب آزمایش می‌کنیم، شما را توانستیم سر رهبران ایران کلاه بگذاریم که آمریکا دیگر گربه عابد شده و حاضر است انقلاب ایران را به رسمیت بشناسد.

البته ما نمی‌خواهیم بگوییم هرکس چنین مهملاتی را تکرار کند، با آمریکا همکاری دارد. افرادی هستند که مثل بچه‌های کوچولو در چنین دام‌هایی می‌افتند.

پیش از اینکه تز «سازش دوا بر قدرت» درباره ایران و انقلاب ایران برای اولین بار در روزنامه‌های ایران منتشر شود، من خود در نامه‌ای به یکی از رهبران جنبش انقلابی اسلامی خبر دادم (ما تا کنون متن این نامه را منتشر نکرده‌ایم، ولی متن آن موجود است) که از محافل ضدانقلابی وابسته به آمریکا خبر رسیده است، که برای از زیر ضربه خارج ساختن آمریکا قرار است چنین تری در ایران رواج داده شود. متأسفانه در آن وقت، آن شخص محترم و دیگر نیروهای اسلامی به اخطار ما توجه نکردند.

آقای فکوری در دوران اخیر به یکی از فعال‌ترین بلندگوهای این تز ساختگی تبدیل شده است. با وجود همه تلاشه‌ها، که از جانب آقای وزیر دفاع برای «اثبات» این تز می‌شود، معلوم است که همه‌جای این تز می‌لنگد. ممکن است آدم خلبان جنگجوی خوبی باشد، ولی از مسائل سیاسی، که فوق‌العاده بفرنج است، سر در نیآورد. چه خوب بود که در برخورد با چنین مسائل حساس، با دقت بیشتری عمل می‌شد. بدبختانه، مثل اینکه گوشه‌های ما به آقای فکوری نه تنها تأثیر مثبت نداشته، بلکه او را به تکرار چنین تز مائوئیستی جری‌تر کرده است.

آقای فکوری موقعی این تز مائوئیستی «سازش دوا بر قدرت» را مطرح می‌کند، که دخالت آمریکا به بازرترین شکل در جنگ رژیم دار و دسته» صدام حسین نمایان می‌شود و متحدان غربی آن بطور وسیع به عراق و کشورهای پشتیبان آن اسلحه صادر می‌کنند. از یک طرف آمریکا فشار سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را شدت می‌دهد و از طرف دیگر کشورهای سوسیالیستی اعلام می‌کنند که حاضرند همه‌امکانات خود را برای کمک به جمهوری اسلامی ایران در اختیار ما بگذارند.

بای اتحاد شوروی را در چنین شرایطی بطور مصنوعی به میان کشیدن یعنی خارج کردن امپریالیسم آمریکا از زیرضربه. عین همان «اردک»هایی، که گویا شوروی‌ها به رشت می‌فرستند!

تز مائوئیستی «سازش دوا بر قدرت» تنها در ایران تبلیغ نمی‌شود. هر جا که آمریکا رسوا شده است و نیروهای خلقی ماهیست حقیقی آن را شناخته‌اند، سعی می‌شود که مردم را از جبهه جهانی ضد امپریالیستی منحرف و ناامید کنند و در واقع آنها را به ضرورت همکاری با غرب «قانع» سازند.

در اینجا باید پرسید اگر واقفا فرقی بین شرق و غرب نیست و روابط میان آمریکا و اتحاد شوروی همانطور است که میان آمریکا و انگلستان و ... پس اصلاً چرا چنین جبهه‌گیری بوجود آمده است؟ آخر این چه منطقی است که آنگولا، که دائم به مبارزه با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و یسارانش مشغول است، از اتحاد شوروی کمک می‌گیرد، در حالی که گویا اتحاد شوروی و آمریکا با هم سازش کرده‌اند و یکی هستند!

جالب اینجاست که کسانی که از همه بیشتر درباره «سازش دوا بر قدرت» صحبت می‌کنند، از همه بیشتر هم اتحاد شوروی را مورد حمله قرار می‌دهند. در همین سخنرانی دیروز آقای بنی‌صدر دیدیم، که چطور سعی شد اتحاد شوروی مقصر همه بدبختی‌های ما جلوه داده شود: از جنبش جنگل گرفته تا کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد!

تز «سازش دوا بر قدرت» تازه به اتحاد شوروی ختم نمی‌شود. آقای قطب‌زاده و دیگر لیبرال‌ها سعی کردند به بهانه آن که کشورهای «جبهه‌ساز» پایدار است و وابسته به «بر قدرت روس» هستند، ما را از استقرار روابط نزدیک با آنها بازدارند و در عوض در پی تحکیم مناسبات با ترکیه و پاکستان غیر وابسته (۱) باشند. یا این که بودند و هستند کسانی که امپریالیست‌های اروپای غربی و ژاپن را بهترین دوستان ما علیه «بر قدرت» می‌دانند! امیدواریم که عناصر صادق‌کنان آگاهانه‌یادام تز مائوئیستی - امپریالیستی «سازش دوا بر قدرت» افتاده‌اند، هرچه زودتر به خطرات این دسیسه پی بوند و دوستان بین‌المللی انقلاب ایران را بهتر بشناسند.

### برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

### آقای جتی کرمانی!

## اظهارات شما درباره حزب توده ایران، در شأن شما و به مصلحت انقلاب نیست!

آقای محمدجواد جتی کرمانی، نماینده مجلس شورای اسلامی ایران، در یک مصاحبه مطبوعاتی در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۵۹، از جمله در مورد وقایع اخیر کرمان گفته است:

«چماق را بگذار تا معلوم شود چماقदार اصلی کیست. چون وقتی چماق در دست تو باشد برادر، یکسدهای از آنسها، از ما می اندازند. من در کرمان شاهد بودم و دیدم افرادی که از شهرهای دیگر آمده بودند برای تحریک، افرادی را در جاهای مختلف مستقر کرده بودند و علامت میدادند برای اینکه سخنرانی را بهم بزنند. من و امثال مرا که امام امت می شناسد، ضد مکتب می شویم و آن آقایان فرصت طلب یشعور شاید رجاله چماق بدست طرفدار مکتب می شوند.» (میزان، ۳۰ بهمن ۱۳۵۹)

اظهارات آقای جتی کرمانی درباره حزب توده ایران موجب تأسف و تحسیر ماست. گذشته از این، بنظر ما این اظهارات خلاف واقع و خلاف اخلاق، در شأن آقای جتی کرمانی نیست، که یک فرد مسئول و نماینده مجلس شورای اسلامی نیز هست. ما نمیدانیم که چه عواملی موجب بیان این اتهامات بی پایه و بیدلیل و دشنام های ناروا علیه حزب توده ایران شده است، اما امیدواریم که تنها بی اطلاعاتی به حقایق موجود، منشاء این اظهارات بوده باشد، هر چند از آقای جتی کرمانی، انتظار نمی رود که چنین از واقعات بی اطلاع باشند و یا بدون هیچ دلیل به دام تحریکات و تفرقه افکنی ها و اطلاعات نادرست گرفتار شوند.

از آنجا که گوینده این اظهارات

که طبق معمول «میزان» را بسیار خوش آمده و با تیتز درشت آنها را منعکس کرده است و همین خود باید برای آقای جتی کرمانی هشدار باشد - آقای محمدجواد جتی کرمانی است و ما امیدواریم که تنها سوء تفاهم و بی اطلاعی، محرک بیان آنها باشد، تذکرات چندی را لازم میدانیم:

نخست آنکه حزب توده ایران مشی اصولی و انقلابی روشن و بدون ابهامی دارد، که چهل سال است از آنها قاطعانه دفاع میکند و برای پیشبرد آن، که چیزی جز نیل به استقلال و آزادی و ترقی و رفاه مردم ایران نیست، هزارها شهید داده است. براساس همین مشی اصولی و انقلابی، حزب توده ایران با صمیمیت و قاطعیت و فداکاری از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده و میکند. حداقل شهدای حزب توده ایران در جبهه جنگ عادلانه با تجاوز آمریکائی رژیم جنایتکار صدام گروا آنست که این پشتیبانی درحرف نیست، در عمل است، فرصت طلبی نیست، بقیعت اینار جان است. بدینسان، اتهام توطئه گری و دورویی و فرصت طلبی با هیچ و صله ای به حزب توده ایران نمی چسبد.

دوم آنکه، حزب توده ایران به گواهی اسناد و مدارک بیشمار، که تقریباً هرروزه در صفحات نامه «مردم» ارگان مرکزی منعکس میشود، چماق داری را عملی خلاف قانون و ضدانقلابی دانسته، آنرا صریحاً محکوم کرده و سرمنشاء اصلی آنرا ضد انقلاب دانسته است. حزب توده ایران پیگیرترین مدافع قانون و امنیت قضائی بوده است و حتی در مقابل دشمنان سوگند خورده و مخالفان کینه توز خود نیز بکار بردن شیوه چماق داری را محکوم کرده و

از برخورد قانونی و مبارزه اصولی پشتیبانی کرده است.

سوم آنکه حزب توده ایران خود پیش و پیش از همه نیروهای دیگر از چماق داری رنج برده و زیان دیده است. آقای جتی کرمانی قاعدتاً باید بداند که طی دو ساله پس از انقلاب حزب توده ایران، اماکن، کیوسکها و دفاترش آماج اصلی و مهم چماق داران بوده است و هم اکنون نیز صدها دفتر حزب و نامه «مردم» در تهران و شهرستانها بواسطه همین آفت، در محاق تعطیل و یا فشار هستند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر مرکزی نامه «مردم»، که هنوز در اختیار حزب توده ایران قرار ندارند، را چماق داران اشغال و ویران کردند.

این - حداقل - نهایت بی انصافی و حد اکثر، افتزای آشکار است که حزبی را، که خود پیش از همه از چماق داران ضدانقلابی زیان دیده و بیش از همه خطر این پدیده ناسالم را متذکر شده، محرک چماق داری بنامند.

چهارم آنکه منابع اطلاعاتی آقای جتی کرمانی بیشک نخواهند توانست حتی یک توده ای را که محرک چماق داران باشد، به ایشان و به مردم معرفی کنند. آنها از این اعمال خود هدف معینی دارند و آن بدنام کردن حزب توده ایران، ایجاد سوء ظن، بدبینی و تفرقه میان نیروهای انقلابی و بالنتیجه کمک به پیشبرد مقاصد ضد انقلاب است.

ما از آقای محمدجواد جتی کرمانی می خواهیم که به این تذکرات توجه کنند و از دامهای تفرقه افکنان و توطئه گران بپرهیزند.

## با استفاده از زمینه سازی گروهکهای مائوئیست: ضد انقلاب بندرعباس را به آشوب کشید

ضد انقلاب با استفاده از زمینه سازی گروهکهای مائوئیست آمریکائی بندرعباس را به آشوب کشاند.

براساس اخبار رسیده از بندرعباس روز چهارشنبه گذشته گروهکهای مائوئیستی آمریکائی مانند «بیکار» «رزمندگان» و ... همراه با آثارشستهای «اشرف دهقانی» و «چپ نماهای «اقلیت» به بهانه بزرگداشت شهیدا گل سرخی و دانشجویان نمایشگاههای خیابانی برپا کردند. این نمایشگاهها پر بود از توهین و کینه نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران. همین امر سبب شد که، از طرفی، مسلمانان پیرو خط امام، به این توهینها اعتراض کنند و از طرف دیگر، ضدانقلابیون موفق شوند با استفاده از جو موجود افراد ناآگاه را تحریک کنند. در نتیجه ضدانقلاب توانست بایک توطئه سازمان داده شده و بازی دادن افراد به نمایشگاهها حمله کند و این بهانه ظاهری را داشته باشد که گویا از انقلاب دفاع می کند. از جانب دیگر مائوئیستهای آمریکائی هم به زد و خورد پرداختند و در نتیجه نقشه شوم ضد انقلاب اجرا و بندرعباس به آشوب کشانده شد و چندین نفر در درگیرها زخمی شدند.

روز بعد بدعوت روحانیت مبارز و سپاه پاسداران برای محکوم کردن گروهکها راهپیمائی انجام شد. متأسفانه در این راهپیمائی علیه حزب توده ایران، که بنا بر سیاست اصولی خود در این درگیریها شرکت نداشته و نخواهد داشت، شمارهایی داده شده. ضدانقلاب نیز با استفاده از جو موجود به کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در میدان برق حمله کرد. در این حمله کیوسک بکلی نابود شد و نزدیک به سه هزار تومان کتاب از میان رفت.

حزب توده ایران ضمن ابراز تأسف عمیق از اجرای نقشه ضد انقلاب در بندرعباس اعلام میدارد که هرگونه درگیری و تشنج بسود دشمن اصلی خلق ایران-امریالیسم خونخوار آمریکاست.

حزب توده ایران به نیروهای طرفدار انقلاب و خط امام خمینی رهبر انقلاب هشدار میدهد که یکی از توطئه های گروهکهای مائوئیست علاوه بر زمینه سازی برای تشنج، بدبین کردن نیروهای طرفدار انقلاب به هم و ایجاد تفرقه در جبهه خلق است.

## برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

### توجه!

مقالات زیر، که در روزهای اخیر در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

- ما به آقای بنی صدر، که اینقدر از «آزادی» سخن میگویند، برای چندمین بار پیشنهاد می-کنیم که با ما به مناظره بنشینند! (شماره ۴۴۹);
- دو نکته اساسی درباره سیاست خارجی (شماره ۴۴۳).

## دومین آزمایش هسته ای رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی

روزنامه نیویورک تایمز گزارش داد که ظاهراً آفریقای جنوبی، دومین آزمایش هسته ای خود را انجام داده است. این روزنامه نوشت که ماهواره های جاسوسی آمریکا روز ۱۶ دسامبر گذشته، یک شعله فروزان در جنوب اقیانوس اطلس را ثبت کردند. بنا به گزارش مأموران اطلاعاتی آمریکا، ممکن است این شعله ناشی از یک انفجار هسته ای باشد.

چندی پیش روزنامه های آمریکائی اعلام کرده بودند که آفریقای جنوبی دومین آزمایش هسته ای خود را انجام داده است. تدارکات هسته ای رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی کشورهای آفریقائی را جدا نگران ساخته است. کشورهای غربی و اسرائیل به تدارکات تسلیحاتی و هسته ای آفریقای جنوبی کمک می کنند.

## ملاقات و مذاکرات وزیران امور خارجه اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی رومانی

در اطلاعیه ای که بمناسبت ملاقات و گفتگوهای آندره گرومیکو، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، با استپان آلدزی، وزیر امور خارجه جمهوری سوسیالیستی رومانی، انتشار یافته، گفته میشود که طرفین روی اهمیت جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی و از میان بردن کانونهای خطر جنگ و ادامه روند تشنج زدایی تأکید کردند.

وزیران امور خارجه دو کشور در بررسی اوضاع اروپا خاطر نشان ساختند که برای تامین امنیت در این قاره و اجرا و تثبیت موافقت نامه های هلسینکی، کوشش بیشتری باید بکار برده شود. طرفین نتایج کار گردهمائی مادرید را مثبت ارزیابی کردند و خاطر نشان ساختند که اصول مورد توافق شرکت کنندگان در این گردهم آئی، درباره تشکیل کنفرانس تشنج زدائی نظامی و خلع سلاح در اروپا، دارای اهمیت فراوانی است.

## رویدادهای جهان

### بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی روز چهارم اسفند در مسکو گشایش می یابد

در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی که روز ۲۳ فوریه (۴ اسفند) در مسکو گشایش می یابد ضمن جمع بندی ترقیات جامعه شوروی در زمینه های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی طی پنج سال گذشته، هدف های جدید سیاست داخلی و خارجی و خطوط اصلی راه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی در سالهای آینده مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. مهمترین مسائل سیاست بین المللی، دفاع از صلح و رویارویی با امپریالیسم مورد بحث کنگره قرار خواهد گرفت. از بسیاری کشورهای جهان هیئت های نمایندگی احزاب کمونیست و کارگری برای حضور در این کنگره وارد مسکو میشوند.

## شرکت مستشاران نظامی آمریکا در عملیات سرکوب جنبش میمن پرستان السالوادور

مستشاران نظامی آمریکا که فرماندهی واحدهای ارتش السالوادور را به عهده دارند مستقیماً در عملیات سرکوب میمن پرستان این کشور که علیه رژیم دست نشانده آمریکا قیام کرده اند شرکت میکنند. بعلاوه دولت ریگان بر میزبان کمکهای نظامی به رژیم السالوادور افزوده است. طبق گزارش مطبوعات، واشنگتن سعی دارد متحدین اروپائی خود را وادار کند در مذاخله نظامی آمریکا علیه السالوادور شرکت کنند. روزنامه لوماتن چاپ پاریس در این مورد مینویسد فرانسه و انگلستان و آلمان غربی مایل نیستند که آمریکا بعنوان زاندارم در سرکوب جنبشهای خلقی از آنها استفاده کند.

### نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دفتر نامه «مردم»  
هنوز در اختیار  
نامه «مردم» نیست)

**NAMEH MARDOM**  
No. 450  
22 February 1981

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی  
۴۱/۳۵۵۱، منطقه  
۱۴ پستی تهران

### کمک مالی به حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است!

بنابوصیت مرحومه فاطمه خداپنده یک قلعه سکه طلا

روشنک، ن ۱۰۰۰۰ ریال  
یورا، پ ۵۰۰۰ ریال  
در جشن عروسی ش و م ۵۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بیردازنده

## کاهش میزان اعتبارات امور اجتماعی در انگلستان

مارگارت تاچر نخست وزیر انگلستان، در کنفرانس مطبوعاتی که در لندن تشکیل شد، اظهار داشت که بمنظور صرفه جویی در بودجه دولت از میزان هزینه های امور اجتماعی کاسته خواهد شد. سیاست دولت تاچر در مورد صرفه جویی، که به منافع زحمتکشان لطمه میزند،